



Research Article**Designing a Model of Cooperation in Iran-Turkiye Relations****Zahra Pourdast^{1*}, Zahra Ahmadipour², Seyed Masoud Mousavi Shafae³**

1. Phd in International Relations, International Relations Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
2. Professor of Political Geography, Political Geography Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
3. Associate Professor of International Relations, International Relations Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Article history:

Received: 30/11/2024

Accepted: 16/02/2025

Abstract

Iran and Turkiye are two important countries in the Middle East with unique geopolitical, cultural, and historical characteristics. They act as relatively independent players in the region. The two countries have maintained contact with each other for a long time. Cooperation is a significant aspect of their relationship and is evident in areas such as trade, energy, the Kurdish issue, and security matters. However, this does not imply that conflicts are absent in their relations; rather, this research focuses on the cooperative aspects of their interactions. Although cooperation has taken place across various sectors, designing a cooperation model between the two countries necessitates identifying conflict variables based on the perspectives of scholars and evaluating them through both library-based and field research methods. Therefore, the objective of this study is to develop a framework for cooperation that can assist in forecasting and analyzing the relations between the two countries..

Keywords: Model, Iran, Turkiye, Conflict, Cooperation

Please cite this article as:

Pourdast, Z., Ahmadipour, Z., Mousavi Shafae, S.M. (2024). Designing a Model of Cooperation in Iran-Turkiye Relations. *Iranian Journal of Asian Studies*, 1(2) 181-222. <https://doi.org/10.22099/IJAS.2025.52574.1030>

* Corresponding author: E-mail address: zahrapourdast64@gmail.com



طراحی الگوی همکاری حاکم بر رابطه ایران و ترکیه

زهرا پوردست^{۱*}، زهرا احمدی پور^۲، سید مسعود موسوی شفاعی^۳

۱. دکترای تخصصی روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. استاد تمام جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۹

اطلاعات مقاله

چکیده

ایران و ترکیه دو کشور مهم خاورمیانه با ویژگی‌های منحصربه‌فرد ژئوپلیتیکی، فرهنگی، تاریخی و ... هستند که به‌عنوان دو بازیگر نسبتاً مستقل در منطقه حضور دارند. دو کشور از دیرباز در ارتباط با یکدیگر بوده‌اند. همکاری به‌عنوان یکی از ابعاد مهم در رابطه دو کشور به‌وضوح دیده می‌شود. این همکاری در قالب تجارت، انرژی، کردها، مسائل امنیتی و ... دیده شده است. البته این به معنای این نکته نیست که تعارض در روابط دو کشور دیده نمی‌شود بلکه این پژوهش تمرکز خود را بر روابط همکاری دو کشور قرار داده است. همان‌طور که گفته شد، همکاری در حوزه‌های مختلف میان دو کشور رخ داده است، اما طراحی الگوی همکاری میان دو کشور نیازمند این است که با تکیه بر نظرات اندیشمندان به استخراج متغیرهای تعارض پرداخته شود و بر اساس این متغیرها به ارزیابی کتابخانه‌ای و میدانی آن‌ها پرداخته شود؛ بنابراین هدف از این پژوهش یافتن الگویی از همکاری است که بتواند ما را در پیش‌بینی و تحلیل روابط دو کشور هدایت کند. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش‌های استنباطی صورت گرفته است و در ضمن وزن دهی به متغیرها در ایجاد تنش بین کشورها از روش‌های تحلیل آماری استفاده شده است.

واژگان کلیدی: الگو، ایران، ترکیه، تعارض، همکاری

استناد به این مقاله:

پوردست، زهرا؛ احمدی پور زهرا؛ موسوی شفاعی، سید مسعود (۱۴۰۳). طراحی الگوی همکاری حاکم بر رابطه ایران و ترکیه. *مجله ایرانی مطالعات آسیا*، شماره ۱. (۲). ۱۸۱-۲۲۲.

* نویسنده مسئول:

E-mail address: zahrapourdast64@gmail.com

سرآغاز

ایران و ترکیه دو کشور مهم خاورمیانه با ویژگی‌های منحصر به فرد ژئوپلیتیک، فرهنگی و تاریخی هستند که به عنوان دو بازیگر نسبتاً مستقل در منطقه حضور دارند. دو کشور از دیرباز در ارتباط با یکدیگر بوده‌اند. میان دو کشور الگوی همکاری و تعارض به وضوح دیده شده است؛ به طوری که روابط آن‌ها به تناوب در میان این دو طیف قرار گرفته است. در حالی که دو کشور در زمان عثمانی رقیب یکدیگر در حوزه ایدئولوژی و ژئوپلیتیک بودند، با تأسیس حکومت جمهوری در دو کشور به دوستانی نزدیک تبدیل شدند. در ۷۰ سال اول قرن بیستم، این شکاف از بین رفت و دو کشور در داخل و خارج با یکدیگر مشابه بودند. با وجود آنکه آن‌ها مسلمان بودند اما در این دوران اسلام نقش کوچکی در سیاست داشت. علاوه بر این هر دو از متحدان غرب با عضویت در ناتو و سنتو بودند. با انقلاب اسلامی ایران و بحث صدور انقلاب این روابط تیره شد؛ زیرا ایران به دنبال صدور ارزش‌های اسلامی و انقلابی بود و حکومت ترکیه با پایبندی به اصول سکولاریسم و لائسیسم، دشمنی جدی برای ایران محسوب می‌شد. این شکاف‌ها تا سال ۲۰۰۲ باعث رقابت‌ها و خصومت جدی میان ایران و ترکیه شد؛ اما با آمدن حزب عدالت و توسعه، رابطه ایران و ترکیه رو به بهبود رفت. البته وجود حزب اصلاح طلب در ایران به ریاست جمهوری محمد خاتمی با سیاست خارجی که کمتر ایدئولوژی را در دستور کار خود داشت، بر نزدیکی روابط اثر داشت. دو سیاست در این دوران در دستور کار دو کشور قرار گرفت که در کنار هم قرار گرفتن آن‌ها بر بهبود روابط مؤثر بود: گفتگوی تمدن‌های خاتمی از یک طرف و سیاست تنش صفر از طرف دیگر باعث شد که دو کشور تصویر مناسبی از یکدیگر داشته باشند. در واقع حزب عدالت و توسعه با افزایش نقش اسلام به نوعی نگاه بدبینانه به انقلاب اسلامی ایران را کمتر کرد و از طرف دیگر ایران با کاستن از نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی به سمت میانه‌روی حرکت کرد و دو کشور را به یکدیگر نزدیک کرد. در این دوران روابط تجاری و اقتصادی میان دو کشور از یک طرف، همکاری‌های امنیتی از طرف دیگر آن‌ها را به سمت دوستی و همکاری‌های استراتژیک پیش برد. در این راستا حمایت ترکیه از ایران در خصوص پرونده هسته‌ای مثال روشنی است؛ اما با

وجود همکاری‌های اقتصادی و امنیتی میان ایران و ترکیه، بهار عربی باعث شکاف در رویکردهای سیاست خارجی دو کشور شد.

هرچند در سیر تاریخی دو کشور همکاری و تعارض در تاریخ روابط آن‌ها وجود داشته است اما مجال سخن برای بررسی هر دو الگو در قالب یک پژوهش وجود ندارد. بر همین اساس نگارنده با تأکید بر تاریخ همکاری دو کشور به طراحی الگوی آن می‌پردازد و بر اساس ارزیابی کتابخانه‌ای و میدانی آن را استخراج می‌کند.

۱. روش پژوهش

شیوه انجام پژوهش نوعاً توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات آن، مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع مختلف از جمله کتب، مجلات و فصلنامه‌ها، اسناد و متون رسمی، شبکه جهانی اینترنت و جستجو در بانک‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع است. به منظور ارزیابی فرضیه‌های تحقیق، بر اساس منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و داده‌های میدانی پاسخ داده می‌شود. بر این اساس پرسشنامه جداگانه‌ای طراحی و بین صاحب‌نظران و کارشناسان این حوزه مطالعاتی توزیع می‌شود و با استفاده از تحلیل‌های آماری مرتبط مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت‌اند از ۴۰ نفر از کارشناسان و نخبگان در امور خاورمیانه، ترکیه و ایران که در دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، نهادها فعالیت می‌کنند. ملاک انتخاب صاحب‌نظران و نخبگان برای تعیین جامعه آماری عبارت است از تسلط کافی در موضوع رابطه ایران و ترکیه از حیث علمی و تجربی. بر این اساس پاسخ‌گویان به سؤالات شامل چهار گروه زیر هستند:

الف. جغرافیدانان سیاسی: شامل اساتید و دانشجویان مقطع دکتری

ب. روابط بین‌الملل: اساتید، دانشجویان دکتری، پژوهشگران

ج. مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه: اساتید، دانشجویان و پژوهشگران

د. علوم سیاسی: اساتید، دانشجویان و پژوهشگران

با توجه به اینکه اطلاعات رسمی در خصوص تعداد متخصصان و استادان این حوزه وجود نداشت و جامعه آماری نامحدود بود، امکان تعیین تعداد جامعه نمونه از طریق فرمول کوکران

وجود نداشت. لذا در مجموع تعداد ۸۰ نفر به روش تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در بین آن‌ها توزیع شد. در نهایت تعداد ۴۰ نفر به صورت کامل به پرسشنامه پاسخ داده بودند که به عنوان یافته‌های میدانی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت.

۲. چارچوب مفهومی

۱-۲. تعریف مفهوم همکاری

همکاری مانند بسیاری از مفاهیم دیگر در روابط بین‌الملل طیف وسیعی از تعاریف را در بردارد و برای افراد و نظریه‌های مختلف، معنای متفاوتی را می‌نمایاند (Tjosvold, 1984: 745). همکاری از نظر لغوی معمولاً مترادف با همدستی و هماهنگی به کار می‌رود. چنانچه سیوم براون همکاری را رفتاری هماهنگ می‌داند که به‌طور آگاهانه به‌وسیله دو یا چند کنشگر اتخاذ می‌شود (عسکرخانی و منصوری مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹۱). مفهوم همکاری بین‌المللی در ادبیات روابط بین‌الملل تحت عنوان این موضوع یافت می‌شود که چگونه می‌توان در شرایط آنارشی نظام بین‌الملل به همکاری رسید. یکی از تعاریف استاندارد در این زمینه توسط کوهین مطرح می‌شود. از نظر وی همکاری مترادف با این است که بازیگران رفتار خود را با اولویت‌ها و ترجیحات دیگر بازیگران تنظیم کنند (Axelrod & Keohane, 1985: 226). بنابراین، همکاری به روابط بازیگران در شرایط هارمونی و هماهنگی منافع و تلاش جهت دستیابی به اهداف مشترک اطلاق می‌شود (Paulo, 2014: 3)؛ اما در متون و نظریه‌های همکاری بین‌المللی، همکاری فراتر از هماهنگی و هارمونی است. چنانچه رابرت کوهین، همکاری را وضعیتی می‌داند که در آن تعقیب یک‌جانبه منافع خود، به‌طور مستقلاً نه توانایی دیگران را جهت دستیابی به اهدافشان تسهیل می‌کند. کوهین بین همکاری و همنوایی تفاوت قائل می‌شود، زیرا همکاری مستلزم آن نیست که دولت‌ها هیچ تضاد منفعی نداشته باشند، بلکه بدان معناست که چگونه ممکن است آن‌ها قادر باشند در جهت منافع متقابلشان بر منازعات غلبه کنند؛ بنابراین، ممکن است کشورها بدون اینکه سیاست‌های خود را با یکدیگر منطبق و سازگار کرده باشند و به‌طور یک‌جانبه عمل کنند، سیاستی هماهنگ داشته باشند. ویوتی نیز همکاری را یک سلسله فعالیت‌هایی می‌داند که از مشورت یا هماهنگی صرف در یکسری پیوستار تا اشتراک مساعی در سر دیگر آن را شامل شود (عسکرخانی و منصوری مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹۱). بر این اساس انطباق و

هماهنگی سیاست‌ها در راستای منافع مشترک شرط انجام همکاری است. لذا ممکن است کشورها بدون اینکه سیاست‌های خود را با یکدیگر منطبق و سازگار کرده باشند و به صورت یک‌جانبه عمل کنند، سیاستی هماهنگ داشته باشند. به عبارت دیگر، همکاری یک نوع هماهنگی ارادی و انتخابی است برای تحقق منافع مشترک که بدون آن کشورها به هدف خود نخواهند رسید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ۸۳).

همکاری می‌تواند اشکال متعدد داشته باشد. ویلیامز بین سه نوع همکاری تفکیک قائل می‌شود: همکاری ضمنی، همکاری نامتقارن و همکاری تمام‌عیار و کامل. همکاری ضمنی در ماهیت خود، فاقد رسمیت و صراحت است و هدف آن از کنترل خارج نشدن منازعه است. انگیزه اولیه همکاری ضمنی، اجتناب از خطر یا کاهش خطر است و در شرایط خاص می‌تواند مبنایی برای توسعه یک رژیم رسمی یا غیررسمی باشد؛ اما اساس همکاری نامتقارن یا مبتنی بر رضایت آن است که یک طرف به طور وسیع و گسترده در یک منازعه وارد شود و دیگری از او حمایت ضمنی یا علنی به عمل آورد و در نقش یک تسهیل‌کننده یا توانمندساز اساسی عمل کند. شکل سوم همکاری، همکاری غیرمشروط یا کاملاً مهیا است. در این مورد افراد یا دولت‌ها منفعتی مشترک یا متقابل نسبت به یک نتیجه مشخص دارند و آشکارا برای حصول به آن همکاری می‌کنند (عسکرخانی و منصوری مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

۲-۲. همکاری در نظریه‌های روابط بین‌الملل

به‌طور کلی سه جریان اصلی در روابط بین‌الملل وجود دارد که در خصوص همکاری سخن رانده‌اند که واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری در این راستا حائز اهمیت هستند. هر یک از این دیدگاه‌ها، نگاه مختلفی در خصوص الگوی رفتاری دولت‌ها، منابع کشمکش و همکاری دارد که می‌تواند با خود صلح و ثبات را به همراه آورد.

اولین جریان موردبررسی که نسبت به دو جریان دیگر توجه بیشتری بر همکاری دارند نظریات لیبرالی هستند که دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به نظام بین‌الملل دارند (Moravschik, 1997: 51). از منظر طیف وسیعی از لیبرال‌ها همکاری در نتیجه سه مسئله در حال رخ دادن است: اول اینکه افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و تجارت باعث شده است که کشورها از همکاری سود بیشتری ببرند و هزینه کشمکش بالا برود (Berger, 2000: 408)؛

بنابراین حمایت از بازار آزاد می‌تواند به ایجاد صلح و همکاری کمک کند؛ اما در این خصوص باید گفت که وابستگی متقابل و تجارت رابطه مستقیم با یکدیگر دارد و هر چه این وابستگی بیشتر باشد، تجارت میان کشورها نیز بیشتر می‌شود (Awad, 2013: 17). در واقع لیبرال‌ها معتقد هستند که تبادلات اقتصادی روابط خوبی را میان دو کشور تنظیم می‌کند. بالاتر رفتن حجم تبادلات و سرمایه‌گذاری میان دو کشور سهم زیادی در جلوگیری آنان از کشمکش و حفظ صلح دارد (Friedberg, 2005: 12). دوم اینکه، یکی از محصولات رشد وابستگی متقابل، پیدایش تعدادی از هنجارهای بین‌المللی، قوانین و نهادهای طراحی شده برای تنظیم و تطبیق همکاری میان ملت‌ها است. در حالی که برخی سازمان‌ها محصول قدرت‌های بزرگ هستند (مانند هژمونی آمریکا در بازار جهانی بعد از جنگ جهانی اول و دوم) اما موجودیت آن‌ها وابسته به قدرت‌های بزرگ نیست. این موضوع در نظریات نولیبرالیسم و نهادگرایی رابرت کوهن و مارتین مطرح می‌شود (Jervis, 1999: 43). مطابق این نظریه همکاری و حضور نهادها رابطه مستقیم با یکدیگر دارد و نهادهای بین‌المللی می‌توانند به دولت‌ها کمک کنند تا بر مانع موجود بر سر راه اقدام مشترک غلبه کنند (Grieco, 1993: 805-807). در واقع نقش اساسی در ارتقا و تسهیل همکاری را نهادهای بین‌المللی ایفا می‌کنند که از چهار طریق این امکان را فراهم می‌کنند: افزایش مبادلات، پیوند موضوعی و افزایش امکان تلافی، افزایش اطلاعات شرکت‌کنندگان و درنهایت کاهش هزینه‌های معامله. عامل دیگر نقش حکومت‌های دموکراتیک در همکاری است. چون در سیاست خارجی خود محدودیت‌هایی دارند که مانع از بروز جنگ می‌شود. دوم اینکه کانت معتقد است که حکومت‌های دموکراتیک بر مبنای اتحادهای صلح‌آمیز مانند ترتیبات امنیتی دسته‌جمعی صلح را در رابطه خود حاکم می‌کنند. وی درنهایت قوانین جهان‌شمول را در ایجاد صلح میان این کشورها مؤثر می‌داند (Jervis, 1999: 43). کارکردگرایان نیز به‌عنوان گروه دیگری از لیبرال‌ها بر وابستگی متقابل و نقش اقتصاد در ایجاد همکاری توجه دارند.

واقع‌گرایی به‌عنوان یکی دیگر از نظریات روابط بین‌الملل است که از اواخر جنگ جهانی دوم در مطالعات دانشگاهی مسلط شد. هسته اصلی این نظریه که از نظریه پردازان واقع‌گرایی کلاسیک مانند مورگنتا تا نورث‌الیست‌هایی چون والتز، مرشایمر و... به آن معتقد هستند شامل سه اصل می‌شود: ۱. ماهیت بازیگران در سیستم بین‌الملل؛ ۲. ماهیت ترجیحات دولت و ۳.

اولویت قابلیت‌های مادی (Mearsheimer, 2006, 69). هرچند که در نظریات رئالیستی محور اصلی بر موضوع تعارض و کشمکش است اما این به معنای عدم توجه این تئوری‌ها به همکاری نیست. از نقطه نظر واقع‌گرایی، همکاری هرچند امری موقتی است اما در نتیجه معمای امنیت و بازی کشورها بر مبنای معمای زندانی شکل می‌گیرد. همکاری در نتیجه محاسبه سود و هزینه و از طریق ردوبدل شدن اطلاعات ایجاد می‌شود (Vyrastekova & Funaki, 2010: 18). این انتخاب استراتژیک بر اساس عقلانیت محوری و تحت شرایط پیچیده صورت می‌پذیرد (Maoz & Kuperman, 2006: 664-689). برخی نیز معتقدند که همکاری در مقابل تهدیدات خارجی در یک محیط استراتژیک مشترک امکان‌پذیر است و کشورها در این محیط امنیتی استراتژیک مشترک دارای منافع امنیتی موازی با یکدیگر هستند و به صورت خودکار وارد این محیط می‌شوند و تعاملات متقابل با یکدیگر برقرار می‌کند که این تعاملات متقابل صرفاً مسائل امنیتی را در بر نمی‌گیرد بلکه طیف وسیعی از روابط را شامل می‌شود و باعث تمایل کشورها به سوی یکدیگر می‌شود. در ابتدای همکاری اگرچه میزان قابلیت‌های مادی و نحوه توزیع قدرت بسیار اهمیت دارد، اما بایستی برای سطح تهدیدات امنیتی که تحت تأثیر مجاورت جغرافیایی، محیط همسایگی و قلمرو نفوذ واحدهاست نیز وزنی قائل شد (گل محمدی، ۱۳۹۵: ۹۰-۹۱). البته لازم به ذکر است ابزارهای تجاری و اقتصادی تنها به عنوان عامل استحکام و تداوم تعاملات محسوب می‌شوند نه به عنوان عامل شکل‌گیری تعاملات. در واقع تعاملات همکاری جویانه در این شرایط به اولویت‌های امنیتی گره خورده است. به طور کلی بر اساس نظریات ساختارگرایان آنچه عامل تعارض و همکاری است در نحوه توزیع قدرت یافت می‌شود که نگاه آن‌ها به توازن قدرت متفاوت است. برخی توازن را در سیستم چندقطبی، برخی دوقطبی و برخی در سیستم هژمونیک می‌دانند.

نظریه دیگر در این راستا سازه‌انگاری است. سازه‌انگاران بر آن‌اند که همکاری تنها شکل تعاملات در درون جامعه دولت‌ها نیست. در میان پاره‌ای از کنشگران، همکاری به وجه غالب تعاملات تبدیل شده است و در میان پاره‌ای نیز فراتر از آن می‌توان احساس همبستگی و هویت مشترکی را دنبال کرد. در مواردی نیز می‌توان دید که عنصر کشاکش و تعارض غالب است. بر همین مبناست که ونت مانند وایت و بول بر آن است که عناصری از واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی و خردگرایی در روابط بین‌الملل وجود دارد و امکان غلبه هر سه مدل در نظام

بین‌الملل است (Wendt, 1994: 109-114). بر این اساس از منظر سازه‌انگاران تعارض و همکاری در نتیجه تعامل شکل می‌گیرند و از قبل تعیین‌شده نیستند. در واقع تنها بعد از تعامل است که می‌توان از همکاری یا تعارض صحبت کرد. چون در نتیجه این تعاملات است که هویت دوستی و دشمنی معنا می‌یابد (Wilmer, 2002: 216). منطق حاکم بر روابط از منظر سازه‌انگاری اهمیت زیادی دارد. اگر منطق حاکم بر روابط بین دولت‌ها مبتنی بر منطق هابزی باشد، دولت‌ها بیشتر درگیر منازعه می‌شوند، اگر فرهنگ لاکی حاکم باشد، هر دو پدیده همکاری و منازعه توأمان به وجود می‌آید اما بیشتر به سمت همکاری متمایل هستند و درنهایت اگر فرهنگ کانتی حاکم باشد، همکاری پدیده غالب خواهد بود (رجوع شد به: عسکرخانی و منصوری مقدم، ۱۳۸۹: ۲۰۰-۲۰۸).

هرچند نظریات بالا به‌عنوان نظریات مطرح در روابط بین‌الملل موردبررسی قرار گرفتند اما نظریه‌پردازان دیگر در ذیل همین نظریات در قالب نظریات ژئوپلیتیک و ژئوکالچر و ژئواکونومیک وجود دارند که به مفهوم همکاری و متغیرهای مؤثر آن پرداخته‌اند؛ اما با توجه به اینکه بررسی همه آن‌ها از حوصله بحث خارج است، نگارنده با ترسیم جدولی فقط به بررسی شاخص‌های متغیر پرداخته است.

جدول ۱: نظریات تنش و منازعه در روابط بین‌الملل

نظریات همکاری	شاخص‌های استخراج شده	نظریات همکاری	شاخص‌های استخراج شده
دیوید میترانی	- نیازها-وابستگی متقابل	هانتینگتون	- تشابهات قومی - تشابه مذهبی - تشابه زبانی
ارنست هاس	- نیازهای اقتصادی - اجتماعی اشتراکات فرهنگی	ویلیام تامپسون	- هم‌جواری جغرافیایی الگوی منظم روابط یا تعاملات - ارتباط متقابل درونی پیوندهای مشترک زبانی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی یا قومی

نظریات همکاری	شاخص‌های استخراج شده	نظریات همکاری	شاخص‌های استخراج شده
کارل دویچ	- همسازی ارزش‌های عمده - پیش‌بینی یا انتظار دستیابی به پاداش‌هایی مشترک قبل از تحمل فشارهای ناشی از ادغام - افزایش برجسته‌ی توانایی‌های سیاسی و اداری حداقل برخی از واحدهای شرکت کننده - رشد اقتصادی بیشتر حداقل در میان تعدادی از واحدها نسبت به همسایگانی که در خارج از حوزه همگرایی قرار دارند. - وجود سطح مناسبی از ارتباطات اجتماعی بین واحدهای مربوطه و همچنین بین طبقات و لایه‌های اجتماعی بین آن‌ها - گسترش نخبگان سیاسی، حداقل در میان تعدادی از واحدها و ظهور یک جامعه بزرگ‌تری از نخبگان - ارتباطات نسبتاً زیاد انسانی و جغرافیایی بین مرزی در میان واحدها و حداقل در میان لایه‌های سیاسی مربوطه - ارتباطات و مبادلات متعدد و چندگانه بین واحدها، حداقل در چند سطح موضوعی - توزیع متناسب پاداش‌های ناشی از جریان ارتباطات و مبادلات میان واحدها - فراوانی فراوان در تغییر نقش‌های گروه مانند اقلیت، اکثریت، ... در میان واحدهای سیاسی - قابلیت پیش‌بینی رفتار واحدها	لوئیس کانتوری و استیون اشپیگل	- عامل همسایگی - اشتراکات قومی - اشتراکات زبانی - تاریخ مشترک - نظام سیاسی مشابه - سطح قدرت - همگرایی روابط درون منطقه‌ای
	بروس	- سازمان‌های بین‌المللی - وابستگی متقابل اقتصادی - دموکراسی - تجانس فرهنگی - هم‌جواری جغرافیایی	
	مورگان و لیک	- نزدیکی جغرافیایی اعضا وجود تعاملات مستمر و ملموس میان اعضا- همسانی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای منطقه	
	کانت	حکومت‌های دموکراتیک	
	و ولف	- گسترش ارتباطات - رونق تجارت - وابستگی متقابل	
	والرشتاین	- نظام کارکردی اقتصادی	

نظریات همکاری	شاخص‌های استخراج شده	نظریات همکاری	شاخص‌های استخراج شده
جوزف نای	- تقارن یا برابری اقتصادی واحدها - مکمل بودن ارزش‌ها - کثرت‌گرایی - توانایی دولت‌های عضو برای سازگاری و پاسخگویی	باری بوزان	- دوستی‌ها و دشمنی‌های تاریخی پایدار - قرار گرفتن در یک حوزه تمدنی دارای فرهنگ مشترک - مجاورت - وابستگی متقابل
جی. ام. مایکل	- اشتراکات فرهنگی - نظام دیپلماتیک - روابط فرهنگی - تجارت	الکساندر ونت	- وابستگی متقابل - سرنوشت مشترک - همگنی - ارتباطات
کنت تامپسون و سوجت موکو	- دیپلماسی فرهنگی - ارتباطات	روزکرانس	- ارتباطات - وابستگی متقابل

منبع: نگارندگان

با توجه به این متغیرها و مطالعه دیگر پژوهش‌ها و کارهای تحقیقاتی و استفاده از نظر متخصصین، متغیرهای زیر به عنوان متغیر همکاری مشخص می‌شود که با توجه به جدول اندیشمندانی که در کارهای تحقیقاتی خود به این متغیرها اشاره کرده‌اند نیز ذکر شده است.

متغیرهای همکاری‌زا	اندیشمندان
اصل مکملیت	میترا نی، بروس، نای، ونت، کارل دویچ، بروس، روزکرانس، کانتوری و اشیگل، نای، ونت
تشابه نظام اقتصادی	نای، ونت، والرشتاین، بزرگمهری
نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات	کارل دویچ، بروس، مورگان و لیک، تامپسون، کانتوری و اشیگل
تجارت و وابستگی متقابل	آدام اسمیت، ریکاردو، نای، وولف، والرشتاین
ترجیحات امنیتی موازی	والث، ونت
نظام دیپلماتیک پویا	دوئرتی، مورگنتا، مکیندر، کوهن، نای، والتز، مرشایمر
اشتراکات فرهنگی	کانتوری و اشیگل، دوئرتی
اتحادیه‌های منطقه‌ای	کوهن، مورگان، لیک، کانتوری و اشیگل
وضعیت نظام سیاسی	کوهن
ساختار منطقه و نظام بین‌الملل	نای، بزرگمهری، هاس، میترا نی
تشابه کدهای ژئوپلیتیک	مکیندر، اسپایکمن، ماهان، هانتینگتون، والرشتاین، برژینسکی

منبع: نگارندگان

۳. مفهوم‌سازی متغیرهای همکاری

اصل مکملیت: مطابق نظریه‌های همگرایی ارنست هاس، اشمیتر، نای و... آنچه روابط کشورها را به سمت همکاری و همگرایی سوق می‌دهد رفع نیاز است. پیچیدگی‌ها و تشدید نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فنی، نخبگان را به سمت رفع نیاز سوق می‌دهد. بر این اساس کشورها برای پاسخ به مطالبات و نیازهای خود به کشورهای برطرف کننده نیازشان حرکت می‌کنند. بر این اساس است که اصل مکملیت و وابستگی متقابل مطرح می‌شود. در واقع کشورها در جهت رفع نیاز خود به کشورهای وابسته می‌شوند که تکمیل کننده نیاز آنها باشند. این تکمیل‌کنندگی در برخی مواقع، اقتصادی است و در برخی مواقع غیراقتصادی. وابستگی متقابل اقتصادی میان کشورها در نتیجه تجارت فزاینده به وجود می‌آید و همین مسئله همکاری‌های بعدی کشورها را نیز در بر دارد. گاهی نیز این مکملیت غیراقتصادی است. مثلاً

یک امتیاز منحصر به فرد در موقعیت جغرافیایی یک کشور و امکان دسترسی به نقاط مهم می-تواند در راستای اصل تکمیل کنندگی و وابستگی متقابل توصیف شود.

-تجارت وابستگی متقابل: رابطه علی میان تجارت و همکاری و صلح در مکتب نولیبرالیسم مطرح شده است (Morrow, 2000: 485). بر این اساس کشورهایی که رابطه اقتصادی زیادی با یکدیگر دارند انگیزه بیشتری برای جلوگیری از تعارضات دارند. تجارت هزینه کشمکش را بالا می برد. کشورها تحت شرایط وابستگی متقابل اقتصاد به دنبال سود مطلق هستند و نه نسبی. علاوه بر این، تجارت راهی مناسب برای حل مناقشات است. بر اساس نظر کوهن و نای، وابستگی متقابل باعث افزایش استفاده از کانال های چندگانه روابط میان دولت ها می شوند. بر اساس نظریات روزکرانس و کریسکی، کشورها بین دو استراتژی برای بقای خود ملزم به انتخاب هستند. یا همکاری و گفتگو و یا قدرت نظامی و اجبار. وابستگی متقابل بیشتر گزینه اول را منتج می شود.

-نظام اقتصادی مشابه: برای ایجاد همگرایی و همکاری نیاز مبرم به نظام های اقتصادی مشابه است (مستقیمی، قوام ملکی، ۱۳۸۸: ۱۳۴). مشابهت در نظام های اقتصادی به واسطه قوانین و مقررات مشابه (شامل نظام پولی، نظام گمرکی و...)، تصمیم گیری ها و مبادلات را راحت تر پیش می برد و خود این مسئله عاملی برای تشویق کشورها برای همکاری با یکدیگر است. چون هر کشوری کم هزینه ترین و سودمندترین مسیر را برای ورود تعاملات خود انتخاب می کند. در این راستا نوع ساختار نظام اقتصادی و میزان تمرکزگرایی یا عدم تمرکزگرایی، قوانین و نظام ارزی مشابه، تقارن یا برابری رشد و توسعه اقتصادی بر همکاری کشورها مؤثر است.

-ارتباطات: ارتباطات یکی از عوامل همکاری است که در نظریات نظریه پردازانی چون کارل دویچ، روزکرانس و... قابل مشاهده است. ارتباطات به دلیل اینکه باعث ردوبدل شدن اطلاعات میان کشورها می شود، زمینه شفاف سازی و اعتماد سازی را جهت همکاری میان کشورها فراهم می کند. هر چه ارتباط میان کشورها بیشتر باشد همگرایی آن ها نیز دست یافتنی تر است و ردوبدل شدن اطلاعات باعث شفاف بودن رابطه و بالا رفتن قابلیت پیش بینی روابط می شود. به همین دلیل وجود ارتباطات به عنوان یکی از فاکتورهای مهم همکاری میان کشورهاست. وجود شبکه های ارتباطی مانند میزان جاده ها و تساهل در مسیرهای حمل و نقل، وجود و گسترش

سیستم‌های حمل‌ونقل مانند افزایش تعداد اتوبوس‌ها، هواپیما، قطار، قوانین مبتنی بر تساهل رفت‌وآمد، شبکه‌های ارتباطی و اینترنتی بر این مقوله مؤثر هستند.

-ترجیحات امنیتی موازی: از نقطه‌نظر واقع‌گرایی، همکاری و متعاقب آن شکل‌گیری ائتلاف میان دولت‌ها، به‌طور اساسی به‌عنوان واکنشی در برابر تهدیدات مشترک در یک محیط استراتژیک مشترک در نظر گرفته می‌شود. نیت و انگیزه اصلی رهبران برای ایجاد همکاری گسترده با دولت‌های دیگر ریشه در اولویت‌های امنیتی دارد (Walt, 1985: 13-17). تهدیدات و منافع امنیتی در یک محیط مشترک میان واحدهای سیاسی، انگیزه اصلی گرایش آن‌ها به ایجاد همکاری همه‌جانبه در همان وزن ژئوپلیتیک است که دولت‌ها ترجیحات امنیتی خود را در حفظ آن تعریف کرده‌اند بر اساس فرضیه‌های والت، دولت‌ها با کشورهایی که دارای ترجیحات امنیتی موازی هستند، همکاری‌های گسترده‌ای انجام می‌دهند. بر اساس نظریات رئالیستی، شکل‌گیری همکاری گسترده امنیتی و سیاسی به یک محیط استراتژیک با منافع امنیتی موازی نیاز دارد. روابط همکاری میان کشورها مشروط به تداوم و توازی منافع امنیتی در این محیط مشترک استراتژیک است. در این زمینه تهدیدات مشترک، برقراری امنیت مرزی، دشمن خارجی مشترک، تلاش برای ثبات منطقه‌ای را می‌توان در زمینه عملیاتی کردن این متغیر مطرح کرد.

-نظام دیپلماتیک پویا: دیپلماسی در ادبیات روابط بین‌الملل کاربرد فراوانی دارند و اغلب برای بیان نوع رابطه بین دو یا چند کشور، دو یا چند بازیگر غیردولتی به کار می‌رود. لازمه دیپلماسی، برقراری ارتباط میان کشورهاست که درنهایت باعث تقویت تفاهم متقابل میان کشورها می‌شود. فرانک نینکوویچ دیپلماسی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی بر اساس ارزش‌های مشترک می‌داند (Ninkovich, 1996: 3). این در حالی است که بنا به تعریف گیفورد مالون، دیپلماسی عبارت است از معماری یک بزرگراه دو طرفه به‌منظور ایجاد کانال‌هایی برای ارتباط میان ملت‌هاست (Malone, 1988: 12). یک نظام دیپلماتیک پویا بر اساس قدرت نرم و ایجاد جاذبه و کشش کشورها را به سمت همکاری قوی‌تر می‌برد. شاخص‌هایی چون نشست‌های مختلف سران کشورها، دیدوبازدید از کشورهای یکدیگر،

تفاهم‌نامه‌ها و توافقات در حوزه‌های مختلف، برگزاری منظم همایش‌ها، نمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها، مبادلات فرهنگی در زمینه‌های هنر، ادبیات، موسیقی، ورزش و... بر تعریف عملیاتی نظام دیپلماتیک کشورها اثر دارد. هماهنگی و تفاهم در تصمیم‌گیری‌های مشترک و اتخاذ مواضع مشترک، نشست‌های متعدد، ملاقات سفیران و دیگر سردمداران، توافق‌نامه‌ها در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... باعث تعاملات سامان‌یافته و مداوم میان دولت‌های حاکم می‌شود و این مسئله نیز هدایت روابط بین دولت‌ها به سمت روابط همکاری جویانه می‌شود.

- اشتراکات فرهنگی: این متغیر شامل زبان، نژاد، قومیت، آداب و رسوم مشابه، اسطوره، حماسه و ویژگی‌های انسانی مشترک، شباهت در سیستم‌هایی ارزشی و تجانس و سازگاری ارزشی می‌شود. سازه‌های فرهنگی مشترک باعث ایجاد علاقه‌مندی‌های مشترک میان کشورها و این علقه‌ها زمینه‌ساز همکاری در حوزه‌های مختلف می‌شود. دین مشترک، میراث‌های تمدنی مشترک، علایق مذهبی مشترک، آداب و رسوم مشترک، سلیقه مشترک و فرهنگ جمعی مشترک از زیر شاخص‌های این متغیر محسوب می‌شوند.

- اتحادیه‌های منطقه‌ای: در خصوص تعریف اتحادیه منطقه‌ای در قسمت تعارض صحبت شد؛ اما در این راستا اتحادیه‌های منطقه‌ای از طریق با از میان برداشتن موانع موجود بر سر راه تجارت، خدمات، حمل و نقل، هم‌راستایی منافع و... باعث همکاری میان کشورها می‌شود.

- وضعیت نظام سیاسی: با تکیه بر نظریه صلح دموکراتیک، نوع نظام سیاسی کشورها بر وضعیت رابطه آن‌ها مؤثر است. در این راستا باید این توضیح را مطرح کرد که یک نظام سیاسی در خلأ شکل نمی‌گیرد بلکه تحت شرایطی نظام سیاسی کشورها شکل می‌گیرد. نظام سیاسی تحت تأثیر اصول شکل‌دهنده آن، ترکیب دین و ایدئولوژی در سیاست، گرایش‌های حزبی و فهم نخبگان و... شکل می‌گیرد. هر چه اصولی که در کشورها شکل‌دهنده‌ی پایه‌های یک نظام سیاسی است به یکدیگر نزدیک‌تر باشد، رفتارهای دو کشور با یکدیگر بر مبنای همکاری بیشتر قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال دو نظام سیاسی که مبتنی بر یک ایدئولوژی مشخص است، همگرایی بیشتری به هم دارند. علاوه بر این مسئله گرایش‌های حزبی حاکم بر نظام سیاسی یک کشور در شکل دادن رفتار آن با کشورهای دیگر مؤثر است. اگر گرایش‌های

حزبی حاکم بر کشورها به گونه‌ای باشد که فهم متقابل را به همراه داشته باشد، سیاست خارجی کشورها بر مبنای تعامل بیشتر شکل می‌گیرد.

-**ساختار منطقه و نظام بین‌الملل:** در خصوص اینکه چگونه ساختار قدرت بر الگوی رفتاری کشورها اثر دارد در قسمت متغیر تعارض گفته شد؛ اما ساختار قدرت با چینش متناسب قدرت، وجود یک هژمون منطقه‌ای، رضایت کشورها از قرار گرفتن در جایگاه قدرت منطقه‌ای و... باعث همکاری میان کشورها می‌شود. از طرف دیگر همگرایی در ساختار روابط از طریق روابط همسو کشورها و قرار گرفتن در یک جبهه، قرار گرفتن در اتحاد و ائتلاف‌های مشترک، طراحی مشابه الگوی دوستی و دشمنی در منطقه، همسویی در مخالفت یا موافقت با قدرت-های مداخله‌گر باعث همکاری میان کشورها می‌شود.

-**تشابه نسبی کدهای ژئوپلیتیک:** در خصوص کدهای ژئوپلیتیک در قسمت تعارض صحبت شد. این فاکتور زمانی کشورها را به سمت همکاری می‌کشانند که تشابه میان آن‌ها وجود داشته باشد. ژنوم‌های همگرا کننده در حوزه‌های اقتصادی، جغرافیایی و هویتی-فرهنگی، تشابه در ماهیت اهداف، نابرابری در وزن ژئوپلیتیک باعث تشابه در کدهای ژئوپلیتیک کشورها و درنهایت همگرایی آن‌ها به سمت یکدیگر می‌شود.

۴. مطالعه موردی: ایران و ترکیه

ایران و ترکیه دو کشور همسایه و مهم در منطقه خاورمیانه هستند که از دیرباز و زمانی که امپراتوری عثمانی در ترکیه و حکومت صفویان در ایران حاکم بود با یکدیگر در ارتباط بودند. ایران و ترکیه هر دو کشوری هستند که به لحاظ ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک در شرایطی حائز اهمیت در خاورمیانه به سر می‌برند و موقعیت استراتژیک آن‌ها در منطقه باعث شده است که به عنوان کشورهای تأثیرگذار در منطقه نقش‌های مختلفی داشته باشند. این دو کشور از دیرباز روابط متنوعی با یکدیگر داشته‌اند که به دوران حکومت عثمانی در ترکیه و حکومت صفویان در ایران بازمی‌گردد. در روابط دو کشور موضوعات مهمی دخیل است به طوری که در طول زمان روابط آن‌ها دستخوش تحولات متعددی شده است و عوامل مختلف باعث شده است که روابط دو کشور به سمت تعارض یا همکاری سوق پیدا کند. بر این اساس

فاکتورهای همکاری جویانه گهگاه آن‌ها را به سمت نزدیکی بیشتر و فاکتورهای تعارض‌آمیز آن‌ها را به سمت تعارض بیشتر حرکت داده است. هرچند بررسی روابط دو کشور از دیرباز چراغ راهنمای خوبی برای محقق است اما با توجه به اینکه این مبحث از حوصله بحث خارج است نگارنده تنها به بررسی فاکتورهای مبتنی بر همکاری میان دو کشور می‌پردازد. همان‌طور که در قسمت قبل گفته شد این فاکتورها شامل مواردی می‌شود که به کمک نظریات و کارهای تحقیقاتی و دیگر محققان استخراج شد. در این قسمت نگارنده این فاکتورها را در دو ارزیابی موردبررسی قرار می‌دهد: ارزیابی کتابخانه‌ای و ارزیابی میدانی.

۴-۱. یافته‌های کتابخانه‌ای متغیرهای مؤثر بر همکاری میان ایران و ترکیه

در این قسمت از پژوهش به متغیرهایی رسیدگی می‌شود که بر همکاری میان ایران و ترکیه مؤثرند و رابطه‌ی دو کشور را به سمت تعامل سوق می‌دهد.

۴-۱-۱. اصل مکملیت

یکی از اصولی که بر همکاری ایران و ترکیه تأثیر بسزایی دارد اصل مکملیت است. همان‌طور که در روش تحقیق گفته شد؛ اصل مکملیت به معنای انطباق نیاز یک کشور با ویژگی‌های کشور دیگر است. در این زمینه ایران و ترکیه از چند طریق مکمل یکدیگر هستند و قادرند نیازهای یکدیگر را پاسخ گویند. بر این اساس مصادیقی وجود دارد که همکاری ایران و ترکیه را بر مبنای این اصل نشان می‌دهد.

الف. نفت و گاز ایران مکمل نیاز ترکیه به انرژی

ترکیه کشوری است که با وجود دارا بودن قابلیت‌های ژئوپلیتیک و امکان دسترسی، از منابع بالای انرژی برخوردار نیست. به همین علت بیش از ۷۰٪ نیازهای انرژی این کشور از طریق واردات تأمین می‌شود. نیازهای انرژی این کشور شامل نفت، گاز، زغال‌سنگ و انرژی هیدرولیک است که با وجود تلاش ترکیه برای کاهش وابستگی خود نسبت به این منابع، هنوز به آن‌ها نیاز دارد (Shokri, 2015: 779). به‌ویژه با رشد سریع اقتصادی ترکیه در دهه گذشته و صنعتی شدن این کشور، نیاز به انرژی در ترکیه دوچندان شده و به نظر می‌رسد این میزان نیاز روزبه‌روز بیشتر

شود. به‌طوری که بر اساس تخمین‌ها، نیاز ترکیه به انرژی از ۸۲.۶ مترمکعب در سال ۲۰۰۲ به ۱۵۳.۹ مترمکعب و در سال ۲۰۲۰ به ۲۸۲.۲ مترمکعب خواهد رسید (Bilgin, 2012: 401). در واقع سیاست انرژی با سیاست خارجی و داخلی ترکیه گره خورده و به دلیل نبود منابع انرژی داخلی در ترکیه، این کشور مجبور به ارتباط با همسایگان خود است. در میان همسایگان ترکیه، جمهوری اسلامی ایران منبع خارجی تأمین‌کننده و قابل‌اعتمادتری است، زیرا از یک طرف ۷۳٪ از نفت کل جهان و ۷۲٪ از گاز طبیعی جهان را دارا بود و از طرف دیگر در جهت سیاست تنوع‌بخشی ترکیه نسبت به روسیه مناسب بود (Bilgin, 2012: 88). هرچند ایران کالاهای دیگری مانند مس و تولیدات جانبی مس و پلاستیک و آهن و استیل و محصولات ارگانیک شیمیایی به ترکیه صادر می‌کند اما منابع هیدروکربن به‌خصوص نفت و گاز چیزی حدود ۹۰ درصد از کل صادرات ایران به ترکیه را در برمی‌گیرد (Jenkins, 2012: 58-62). این مسئله به این دلیل است که ایران دارای منابع عظیم نفت و گاز طبیعی است و یکی از اولین کشورهای صادرکننده نفت و گاز در منطقه به شمار می‌رود که با اتکا به منابع عظیم نفت و گاز خود برنامه‌ی زیادی برای تقویت توان تولید و صادرات خود دارد.

نیاز ترکیه به منابع امن و پایدار نفت و گاز برای تأمین نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی خود از یک طرف و نیاز ایران به صدور انرژی خود به ترکیه و دستیابی به بازارهای بلندمدت انرژی اروپا از مسیر این کشور و به‌تبع آن دستیابی به منابع ارزی باعث وابستگی متقابل میان دو کشور و این وابستگی متقابل منجر به ایجاد زمینه‌های مختلف برای همکاری بین ایران و ترکیه شده است. دو کشور به یکدیگر نیاز دارند، ایران به و ترکیه به‌واسطه اقتصاد رو به رشد خود به نیازمند است و ترکیه به انرژی ایران. در همین راستا رئیس‌جمهور پیشین ایران حسن روحانی در نشست ژوئن شورای تجاری ایران و ترکیه بیان داشت: «ترکیه پل ارتباطی ایران و اروپا است. درعین حال ایران نیز پل ارتباطی ترکیه به سمت شرق است. ما باید از این کشورها به‌عنوان پل‌هایی به‌منظور توسعه منطقه استفاده کنیم. اقتصاد ایران و ترکیه باید مکمل هم باشند» (Baghat, 2014: 2).

هرچند روابط اقتصادی میان ایران و ترکیه به طور سنتی بر پایه تجارت و حمل‌ونقل متقابل بوده است اما واردات انرژی ترکیه از ایران یکی از اصول تجاری مهم میان دو کشور است. از سال ۲۰۱۰، ایران قریب به ۲۵ درصد از واردات نفت و گاز طبیعی ترکیه را تأمین کرده است

(Ehteshami & Elik, 2011:650). هرچند ایران کالاهای دیگری مانند مس و تولیدات جانبی مس و پلاستیک و آهن و استیل و محصولات ارگانیک شیمیایی به ترکیه صادر می‌کند اما منابع هیدروکربن به‌خصوص نفت و گاز چیزی حدود ۹۰ درصد از کل صادرات ایران به ترکیه را در برمی‌گیرد (Jenkins, 2012: 58-62).

ایران از سال‌ها پیش نقطه شگفت‌انگیزی برای ترکیه به خاطر نفت و گاز طبیعی و مجاورت جغرافیایی و هزینه‌های پایین واردات انرژی بوده است. در واقع اگر تبادلات انرژی میان دو کشور نادیده گرفته شود، نرخ رشد همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور در مقایسه با سایر کشورهای منطقه مثل عراق رقم ناچیزی را دارد. انرژی نفت و گاز به‌عنوان محرکی بسیار مهم برای افزایش مبادلات اقتصادی بین ایران و ترکیه بعد از سال ۲۰۰۰ عمل کرده‌اند. تا سال ۲۰۱۱ ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت و دومین تأمین‌کننده گاز طبیعی ترکیه بوده است. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های ارتباط اقتصادی بین ایران-ترکیه عمل‌گرایی دو کشور در روابط دوجانبه است که در طرف ترکیه‌ای محسوس‌تر است (Jenkins, 2012: 53).

قسمت عمده نفت خام و کالاهای پتروشیمی مصرفی ترکیه از کشورهای ایران، روسیه، عربستان سعودی و عراق وارد می‌شود. مصرف روزانه نفت خام ترکیه از ۶۰۸ هزار بشکه در سال ۱۹۹۵ به ۶۴۹۰۰۰ بشکه در سال ۲۰۰۳ و به ۶۷۰۰۰۰ بشکه در سال ۲۰۱۲ و به ۷۱۴۰۰۰ بشکه در سال ۲۰۱۳ رسیده است (Baghat, 2014:2). از طرف دیگر واردات گاز ایران به ترکیه نیز سهم عمده‌ای از صادرات این کشور به ترکیه را در بر گرفته است؛ به‌طوری که طی سال‌های آینده نیز ترکیه به‌عنوان واردکننده عمده گاز طبیعی باقی خواهد ماند (Winroew, 2014:6). در این خصوص می‌توان به قرارداد گازی میان ایران و ترکیه اشاره کرد که برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ میان ایران و دولت اربکان تنظیم شد. این قرارداد برای ۲۳ سال بین دو کشور امضا شد. ترکیه این گاز را برای مصرف صنعتی و گرمایش خانگی نیاز داشت (Shokri, 2015: 781). گسترش و استمرار تجارت انرژی نه‌تنها انتخاب مطلوب ترکیه است بلکه ایران نیز طرح‌های گسترده‌ای برای تزریق عواید حاصل از منابع طبیعی خود به اقتصادش از طریق روابط انرژی خود با ترکیه دارد. حجم بالایی از صادرات ایران شامل نفت و گاز طبیعی است و این دو بخش از شانس بالایی برای استمرار روابط و افزایش منافع متقابل اقتصادی در رابطه دو کشور برخوردار است (Unal and Ersoy, 2014: 19).

ب. موقعیت ترانزیتی دو کشور و اصل مکملیت

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که باعث شده تا ایران و ترکیه با یکدیگر همکاری زیادی داشته باشند، ژئوپلیتیک دسترسی دو کشور نسبت به یکدیگر است. بر این اساس ایران به واسطه نزدیکی به شرق می‌تواند گذرگاه ترکیه برای دستیابی به بازار شرقی باشد (Ebrahimi & Yusoff & Jalili, 2017: 67). از طرف دیگر ترکیه به‌عنوان یک پل انرژی برای صادر کردن انرژی ایران به غرب و اتحادیه اروپا است. به‌خصوص در زمان جنگ ایران و عراق و نیاز ایران برای صدور انرژی و همچنین در زمان تحریم‌ها، نیاز ایران به ویژگی ترانزیتی ترکیه دوچندان شده بود. این مسئله باعث همکاری دو کشور در بخش‌های مختلف حمل‌ونقلی شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

ب-۱. همکاری ایران و ترکیه در خطوط لوله انرژی و حمل‌ونقل

در ژئوپلیتیک انرژی، رابطه ایران و ترکیه به‌عنوان پل ارتباطی میان کشورهای با منابع انرژی غنی و اقتصادهای تشنه انرژی نقش محوری دارد. برای تهران، ایجاد و تقویت روابط انرژی با ترکیه تقریباً یک الزام به شمار می‌آید، زیرا ۹۰ درصد کل گاز صادراتی ایران از طریق ترکیه صادر می‌شود (غائبی، ۱۳۹۵: ۹۸). بر این اساس همکاری ایران و ترکیه در خطوط لوله گاز طبیعی نمونه‌ای از نیاز ایران به موقعیت ترانزیتی ترکیه است. در ادامه به برخی از این خطوط اشاره می‌شود:

۱. خط لوله تبریز-ارزروم: این خط لوله با ظرفیتی حدود ۲۰ مترمکعب گاز ایران را منتقل می‌کند. گاز طبیعی ایران از طریق این خط لوله به بازار ترکیه وارد می‌شود و همچنین می‌تواند از طریق ترکیه به کشورهای اروپایی فرستاده شود (Grigoriadis, 2008: 3). در قرارداد مربوط به این خط لوله توافق شده بود که حجم صادرات گاز به ترکیه از ۴ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۲ به ۱۰ میلیارد مترمکعب برسد. ولی این رقم به ۴.۱۱ و ۵.۲۴ میلیارد مترمکعب به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ به علت افزایش عرضه سایر کشورها و کاهش رشد اقتصادی رسید. این حجم در سال ۲۰۱۱ به ۸.۴ رسید که ایران را در رده دوم تأمین‌کنندگان گاز طبیعی ترکیه بعد از روسیه تبدیل کرد (Winrow, 2014: 6).

۲- خط لوله پارس: این خط لوله به طول ۱۷۴۵، خطی است که قرار است برای انتقال گاز ایران به اروپا از مسیر ترکیه ساخته شود. این خط لوله از ایران آغاز و با عبور از ترکیه به یونان، ایتالیا و سوئیس کشیده می‌شود. هرچند هیچ خط لوله نفتی میان ایران و ترکیه وجود ندارد اما حدود ۸۵ درصد از کل واردات نفت ترکیه به وسیله تانکر منتقل می‌شوند. با این وجود این نوع واردات انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به گاز دارد که قریب به ۸۰ درصد آن توسط خط لوله انتقال می‌یابد (Jenkins, 2012: 56).

نقش دو کشور در زمینه ترانزیت و انتقال کالا، ممکن است آن‌ها را به سمت همکاری‌های زیادی در زمینه حمل‌ونقل و ترانزیت کالا پیش ببرد. در همین راستا می‌توان به سخنان روحانی در دیدار با اردوغان و پتانسیل دو کشور در اتصال شرق به غرب (آسیا-اروپا) از طریق همکاری‌ها در زمینه ترانزیت و خطوط ریلی اشاره کرد.

۴-۱-۲. تجارت خارجی میان ایران و ترکیه و وابستگی متقابل

تجارت میان کشورها از طریق ایجاد وابستگی متقابل و بالا رفتن ضریب حساسیت و آسیب‌پذیری زمینه همکاری را بالاتر می‌برد. بر این اساس، یکی از متغیرهای حاکم بر روابط ایران و ترکیه بحث تجارت میان آن‌ها است که به عنوان سیاست عمل‌گرایانه میان ایران و ترکیه تاریخچه‌ای قدیمی دارد. تاریخچه رابطه اقتصادی ایران و ترکیه با وجود درگیری‌های زیادی میان دو کشور، به زمان عثمانی و صفوی برمی‌گردد. هر دو کشور در آن زمان از طرق مختلف با یکدیگر وارد رابطه اقتصادی شده بودند که می‌توان به جاده ابریشم اشاره کرد. رابطه تجاری دو کشور حتی در زمان جنگ‌ها و وقوع انقلاب اسلامی در ایران، حفظ شده بود (Unver, 2016: 132).

مهم‌ترین جز رابطه تجاری دوجانبه ایران و ترکیه، انرژی است. برخی معتقدند نیاز ترکیه به انرژی ایران باعث شده است که برخلاف قانون تحریم‌ها، ترکیه روابط خود را با ایران با وجود هشدارهای آمریکا ادامه دهد (Cook, 2011: 720). در این راستا اردوغان این مطلب را عنوان کرد که ترکیه به انرژی ایران نیاز دارد و این مسئله‌ای مربوط به منفعت ملی کشورش است؛ بنابراین قراردادهای انرژی ترکیه با ایران تحت تأثیر روابط با آمریکا یا هیچ کشور دیگری قرار ندارد (Davutoglu, 2008: 91).

به‌هرحال ایران و ترکیه به‌عنوان دو کشور همسایه جزو بزرگ‌ترین شرکای تجاری یکدیگرند و در سطوح مختلف با یکدیگر روابط نزدیکی دارند. دو کشور روابط تجاری و بازرگانی خود را از طریق کمیسیون مشترک اقتصادی، کمیسیون مشترک تجارت مرزی، همکاری میان استان‌ها و هیئت‌های تجاری افزایش داده‌اند و حجم صادرات ایران به ترکیه بیشتر بر محور زغال‌سنگ و مواد نفتی خام، گاز طبیعی، فلزات غیر از آهن، مواد شیمیایی، پسته و... است؛ اما ترکیه به ایران اقلامی چون آهن، طلا، نقره، فولاد، نخ نساجی، پارچه، محصولات کشاورزی، خودرو و ماشین‌آلات صادر می‌کند و شرکت‌های ترکیه‌ای نیز سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجهی در بخش املاک و مستغلات در ایران انجام داده‌اند (Larrabee, 2013: 33).

هرچند صادرات ترکیه به ایران بسیار کمتر از واردات از این کشور است اما در سال‌های اخیر رشد قابل‌توجهی داشته است. ترکیه تمایل به صادر کردن محصولات بیشتری به ایران دارد اما با نرخ بالای تعرفه روبرو هستند. با وجود چندین دور مذاکرات میان آن‌ها، ایران همچنان کنترل‌های سخت‌وسخت بر واردات از طریق یک سیستم پیچیده و الزام‌آور تعرفه‌ای انجام می‌دهد. همچنین کالاهای ترکی در رقابت با کالاهای چینی در حاشیه هستند. به همین علت بیشترین کسری تجاری ترکیه از طریق خدمات گردشگری به تعداد زیادی از بازدیدکنندگان ایرانی، جبران می‌شود. بر اساس آمارها، تعداد ۲.۷ میلیون توریست ایرانی از ترکیه در سال ۲۰۱۰، دیدن کرده‌اند. از طرف دیگر حجم سرمایه‌گذاری‌های دو طرفه میان دو کشور به‌طور قابل‌توجهی در سال‌های اخیر افزایش یافته است (Habibi, 2012: 4).

۳-۱-۴. نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات

ارتباطات میان کشورها از جنبه‌های مختلف صورت می‌گیرد که می‌تواند به دلیل نزدیکی جغرافیایی و وجود تسهیلات جاده‌ای، حمل‌ونقل و... باشد یا اینکه ریشه در موضوعاتی مانند هنر، فرهنگ، اقتصاد، تاریخ و... داشته باشد؛ اما ارتباطات میان ایران و ترکیه، جنبه جغرافیایی، اقتصادی، گردشگری، هنری و... دارد. همان‌طور که در قسمت‌های قبل ذکر شد؛ ایران و ترکیه به‌مثابه پل عبوری یکدیگر به نقاط مختلف هستند. به همین علت اجباراً ارتباط زیادی در این گذرها وجود دارد و دو کشور بنا بر جبر جغرافیایی از خاک یکدیگر عبور می‌کنند. محل عبور بودن دو کشور برای یکدیگر، پیامدهای زیادی داشته و یکی از مهم‌ترین آن‌ها ارتباط دو کشور

در این زمینه است. از طرف دیگر ایران و ترکیه نقش مهمی در بازار مصرفی کالاهای یکدیگر دارند و به همین دلیل وجود سرمایه‌گذاری‌های مختلف میان دو کشور بر ارتباطات آن‌ها افزوده است. گسترش خطوط و شبکه‌های ارتباطی میان دو کشور، مبادله‌ی کالا، رفت‌وآمدهای انسانی بین استانهای مرزی دو کشور مصداق ارتباط گسترده میان دو کشور است (ازغندی، ۱۳۸۷: ۳۷). یکی دیگر از دلایل ارتباطات وسیع میان ایران و ترکیه، وجود پتانسیل‌های گردشگری و توریستی میان دو کشور است (Habibi, 2012: 4). البته در این زمینه وجود کنفرانس‌های علمی، مطبوعاتی، برگزاری جشنواره‌های هنری به علت نزدیکی فرهنگی دو کشور بر ارتباطات گسترده آن‌ها مؤثر است.

اقداماتی که دو کشور در زمینه حمل‌ونقل، تسهیلات و خدمات مرزی، تلاش برای امنیت سازی مرزها، خدمات ویژه به توریست‌ها و سرمایه‌گذاران و در راستای افزایش ارتباطات انجام داده‌اند، بر گسترش ارتباطات تأثیرگذار بوده است. به‌عنوان مثال در زمینه حمل‌ونقل می‌توان به وجود خط ریلی میان ایران و ترکیه اشاره کرد که مسیر ایران تا دریاچه وان ترکیه را از طریق ترن موسوم به ترانس آسیا امکان‌پذیر می‌سازد. این ترن در مسیر استانبول-وان-تبریز-تهران و بالعکس فعالیت می‌کند. قطار ترانس آسیا هفته‌ای یک‌بار بین استانبول و تهران تردد می‌کند و این ترن در برخی ایام هفته‌ای دو بار بین تهران-استانبول به حمل مسافر می‌پردازد. خطوط ریلی ایران-ترکیه در دریاچه وان واقع در شرق ترکیه به انتها می‌رسد و مسافری این مسیر از طریق کشتی به سمت دیگر دریاچه رفته و با تعویض قطار به مسافرت خود ادامه می‌دهند. خط محلی تبریز-وان نیز هفته‌ای یک‌بار بین دو شهر تردد می‌کند (تقدیسی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۲۱). در خصوص خطوط هوایی نیز از ترکیه به تهران، تبریز، مشهد و شیراز پرواز مستقیم وجود دارد. همچنین مقام‌های ترک به دنبال راه انداختن خطوط هوایی از ترکیه به شهرهای گردشگری ایران از جمله همدان، تبریز، یزد و کرمان هستند. همچنین وجود اتوبوس‌های مستقیم به مقصد ترکیه از ایران نشان‌دهنده‌ی استقبال مردم از ارتباط با این کشور است.

توافقات در زمینه سهولت تردد کالا و مسافر از مرزهای دو کشور نیز بر آسان‌سازی تجارت دو کشور و افزایش ارتباطات مؤثر است. حل مشکلاتی از قبیل مجوزهای کارانه و قطع مکرر برق در گمرک گوربلاغ، رفع معضلات راه‌آهن، بازارچه‌های مرزی، تردد کامیون

حامل کالاهای صادراتی در مرز سرو و اسن دره و همچنین پذیرش کالاهای مرجوعی توسط گمرک ترکیه در این راستا اهمیت دارد (هفته‌نامه تخصصی امور گمرکی، ۱۳۸۷: ۲).

۴-۱-۴. ترجیحات امنیتی موازی

وجود دشمن مشترک مانند گروه‌های تروریستی کردی، تلاش برای حل بی‌ثباتی منطقه‌ای و مشارکت‌های امنیتی، تلاش برای حل معضلات مرزی و... از نمونه ترجیحات امنیتی موازی میان ایران و ترکیه است. همکاری میان ایران و ترکیه در مورد موضوعات امنیتی غالباً حول محور موضوع و در مورد تأسیس یک دولت مستقل کردی شکل گرفته است.

الف. موضوع کردی به مثابه تهدید مشترک ایران و ترکیه

موضوع کردی یکی از منابع اصلی رابطه میان آنکارا و تهران از سال ۱۹۹۰ است. در واقع کردها به عنوان یک تهدید مشترک همکاری‌های زیادی را میان ایران و ترکیه به بار آورده‌اند، زیرا هر دو کشور در این مسئله اتفاق نظر دارند که منفعت آن‌ها با شکل‌گیری یک کشور خودمختار کردی در منطقه تضاد دارد (Half, 2007: 33-34). به مدت سه دهه است که جنبش جدایی طلبی کردها مهم‌ترین تهدید برای بقای رژیم سیاسی ترکیه است. این مسئله بخصوص با شکل‌گیری پژاک باعث نزدیکی ترکیه و نیاز به همکاری به این کشور شده است. تا قبل از شکل‌گیری پژاک، این تصور از سوی ترکیه وجود داشت که ایران به لحاظ مالی و لجستیکی گروه‌های تروریستی را علیه نظام سیاسی ترکیه تأمین می‌کند (Mccurdy, 2008: 88-106). بر این اساس آن‌ها معتقد بودند که پ.ک.ک وسیله‌ای برای ایران در راستای رقابت با ترکیه در شمال عراق و قفقاز است (Sinkaya, 2004: 11).

اما با شکل‌گیری پژاک و بخصوص حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به ناگاه محیطی برای نزدیکی ایران و ترکیه فراهم شد. حضور نیروهای نظامی آمریکا در شمال عراق انگیزه‌ی ایران برای نزدیکی به ترکیه بود. ترکیه نیز نیازمند یک متحد منطقه‌ای بود. رابطه ترکیه و آمریکا به علت این اتفاق بعد از سال‌ها دچار تغییر شده بود؛ زیرا ترکیه موافق حمله نظامی آمریکا به عراق نبود و اجازه استفاده از خاک خود برای پایگاه نظامی به آمریکا نداد. تحلیل ترکیه این بود که ایجاد خلأ قدرت در عراق بعد از سقوط حکومت مرکزی زمینه ایجاد دولت

کردی مستقل را در شمال عراق ایجاد می‌کند و این مسئله تهدید برای ترکیه و ایران است. هرچند مسئله کردی به اندازه ترکیه برای ایران اهمیت ندارد اما در سال ۲۰۰۴، منافع امنیتی ایران در مقابله با جدایی‌طلبی کردها زمانی اوج گرفت که پژاک کمپینی علیه حکومت ایران راه‌اندازی کرد. بر این اساس در سال ۲۰۰۴ اردوغان از تهران دیدن کرد و دو کشور توافقنامه‌ی امنیتی مشترک امضا کردند که منتج به شکل‌گیری کمیته مشترک امنیت منطقه‌ای توسط آن‌ها شد. ایران و ترکیه یک یادداشت تفاهم‌نامه امضا کردند که بر اساس آن اقدامات مشترک در نگهداری و محافظت از امنیت مرزی و جرائم سازمان‌یافته صورت می‌گرفت. بر همین اساس هر دو کشور تلاش‌های مشترکی علیه پ.ک.ک و پژاک آغاز کردند که شامل مخابره گسترده اطلاعات می‌شد (Demiryol, 2013: 121-122).

ب. تروریسم؛ تهدید مشترک و همکاری ایران و ترکیه

با حادثه یازده سپتامبر و ورود القاعده به خاورمیانه جریان‌های تروریستی شکل گرفتند. این جریان‌ها به‌مرور زمان فعالیت خود را افزایش داده و به تهدید جدی برای امنیت منطقه‌ای و امنیت ملی کشورهای خاورمیانه تبدیل شدند. تا به امروز تعداد زیادی از مردم کشورهای منطقه قربانی این پدیده نوظهور و شوم شده‌اند. به همین دلیل مبارزه با این موضوع برای اکثریت کشورهای خاورمیانه در اولویت وجود دارد و به‌خصوص اینکه آن‌ها متوجه ضعف آمریکا در مقابله با این گروه‌ها شده‌اند. یکی از گروه‌های تروریستی که تا حد زیادی همکاری ایران و ترکیه را در مقابله با خود به همراه داشته است، گروه بنیادگرای داعش است. داعش یک گروه مسلح تروریستی است که اندیشه سلفی جهادی دارد و هدف سازمان دهندگانش نیز بازگرداندن چیزی است که آن را خلافت اسلامی و اجرای شریعت می‌نامند (بصیری، آقا محمدی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۵۲). هرچند برای ترکیه مقابله با پژاک و پ.ک.ک اصلی‌ترین موضع است اما در ائتلاف‌های علیه داعش نیز نقش مهمی دارد. هرچند اغلب همکاری وی در این خصوص، با اتحادیه اروپا و آمریکا است (Doruk Ergun, 2018: 18)؛ اما به‌رحال روسیه، ایران و ترکیه نشست‌هایی با یکدیگر جهت همکاری به‌منظور از بین بردن داعش و جبهه النصره و دیگر گروه‌های تروریستی داشته‌اند.

ج. همکاری ایران و ترکیه بر ثبات منطقه‌ای

ایران و ترکیه، اهداف گسترده‌ای به منظور امنیت و ثبات منطقه‌ای در روابط خود دنبال می‌کنند (Yarmohammadian & Omid & Ebrahimi, 2017: 29). به خصوص با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و تلاش برای ثبات منطقه‌ای، همکاری در این راستا افزایش یافته است. هرچند دو کشور در بسیاری اوقات بر سر ثبات و نظم جایگزین با یکدیگر توافق ندارند، اما در کوتاه مدت برای حل ثبات منطقه‌ای تلاش کرده‌اند. تلاش برای حفظ موازنه قدرت، همکاری‌های مرزی، حفظ ثبات داخلی و... از نمونه همکاری‌های دو کشور در جهت حفظ ثبات منطقه‌ای است.

تلاش برای حفظ موازنه قدرت و سیستم چندقطبی در خاورمیانه یکی از نمونه‌های همکاری نه تنها میان ایران و ترکیه بلکه میان قدرت‌های مؤثر خاورمیانه به حساب می‌آید. در واقع یکی از ویژگی‌های سیستم منطقه‌ای خاورمیانه بعد از جنگ سرد، چندقطبی بودن است؛ به این معنا که منطقه بیش از یک یا دو قدرت مسلط منطقه‌ای دارد. در واقع سیستم کنونی خاورمیانه بر اساس چهار قدرت منطقه‌ای قابل ترسیم است: ایران، ترکیه، عربستان و اسرائیل. در چنین سیستمی، وقتی یک کشور به صورت ناگهانی رشد می‌یابد، دیگر بازیگران به طور طبیعی برای حفظ توازن قدرت به یکدیگر نزدیک می‌شوند. بر همین اساس به عنوان مثال افزایش ناگهانی قدرت عربستان می‌تواند همکاری ایران و ترکیه را به ارمغان آورد؛ زیرا حفظ موازنه قدرت و نظام چندقطبی از علاقه‌های مشترک ایران و ترکیه در راستای ثبات منطقه‌ای است (Lindenstrauss, 2018: 53).

د. ثبات داخلی به عنوان منفعت مشترک دو کشور

از دیگر مسائلی که همکاری ایران و ترکیه را در برداشته است، تلاش دو کشور از ثبات داخلی یکدیگر است. علیرغم اینکه ثبات داخلی مسئله‌ای مربوط به درون کشورهاست اما چون دو کشور از قدرت‌های مؤثر منطقه هستند، بی‌ثباتی داخلی را زمینه‌ای برای بی‌ثباتی منطقه‌ای می‌دانند. به عنوان مثال کودتای ۲۰۱۶ ترکیه، نقطه عطفی در رابطه ایران و ترکیه بود. در ابتدا، این کودتا باعث نگرانی ایران شد و همین مسئله حمایت ایران از اردوغان را در همان ساعات‌های اولیه به دنبال داشت. در واقع ایران اولین کشوری بود که حمایت خود را از

مشروعیت حکومت ترکیه اعلام کرد، زیرا این اتفاق در یکی از کشورهای بزرگ خاورمیانه اتفاق افتاده بود و می‌توانست بر امنیت و حیات کردهای منطقه از جمله کردهای ایران تأثیرات منفی بگذارد. سقوط احتمالی یک دولت مسلمان همسایه، هرچند لائیک و هرچند سنی، برای ایران خطرناک بود. ایرانی‌ها حمایت خود را از انتخاب مردمی ترکیه بیان کردند و سریعاً نتیجه چنین کودتایی را با اوضاع سوریه مقایسه کردند. بر همین اساس دولت روحانی و شخص دکتر ظریف خاطرنشان کردند که نتیجه کودتا نه‌تنها ترکیه بلکه کل خاورمیانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس در این زمان حمایت‌های ایران و همکاری دو کشور به‌منظور ایجاد ثبات داخلی، تلاشی در راستای هدفی کلان‌تر یعنی ثبات منطقه‌ای بود (Yarmohammadian & Omidi & Ebrahimi, 2017: 15).

از طرف دیگر ترکیه ایران بی‌ثبات را از ایران هسته‌ای خطرناک‌تر می‌داند. با توجه به تنوعات قومی و مذهبی، بی‌ثباتی یا تضعیف حکومت مرکزی در ایران می‌تواند منجر به یک جنگ داخلی شود که مستقیماً بر امنیت ملی ترکیه در مناطق کردی اثر دارد (Ehteshami & Elik, 2011: 660). حمایت ترکیه از بازگشت مجدد احمدی‌نژاد به قدرت بعد از انتخابات ۲۰۰۹ و فرستادن پیام تبریک به‌عنوان اولین کشور، نشان از مخالفت ترکیه با جنبش سبز در ایران و بی‌ثباتی ناشی از آن بود (Akbarzadeh & Barry, 2016: 2).

ه. همکاری ایران و ترکیه بر سر امنیت مرزی

یکی دیگر از مسائلی که همکاری ایران و ترکیه در زمینه امنیتی و ثبات منطقه‌ای به دنبال داشته است، مسئله صلح و امنیت در مرزهای دو کشور است (Habibi & Mahdizadeh, 2014: 29). یکی از مهم‌ترین همکاری‌های دو کشور بر سر مسائل ارضی مربوط به دی‌ماه ۱۳۱۰ است که موافقت‌نامه‌ی تعیین سرحدی بین دو کشور به تصویب رسید. به موجب این موافقت‌نامه، بخشی از اراضی مجاور کوه آرارات به ترکیه واگذار شد و در عوض قطعه زمین وسیعی در کردستان به ایران تعلق گرفت. در ۱۴ آبان ۱۳۱۱، نیز دو عهدنامه مودت و امنیت و رفع اختلافات مرزی در آنکارا میان دو کشور به امضا رسید (رجوع شود به: امامی خویی و خلخال، ۱۳۹۰: ۱۷).

با توجه به اینکه اختلاف‌های ارضی و مرزی ایران و ترکیه بر سر حدود و ثغور مرزی و ارضی حل شده است، بیشترین همکاری دو کشور در زمینه امنیت مرزی مربوط به کردهای پژاک و پ.ک.ک بوده است که با ملی‌گرایی کردی، مرزهای مشترک دو کشور را به ایجاد کردستانی مستقل تهدید می‌کردند (رجوع شود به: Aslan, 2015: 66). تلاش دو کشور در راستای پاک‌سازی مرزها از قاچاق، مواد مخدر، حوادث تروریستی بر همکاری دو کشور و نشست‌ها و تفاهم‌نامه‌ها افزوده است.

۴-۱-۵. نظام دیپلماتیک پویا

در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، روابط دیپلماتیک میان ایران و ترکیه تنش‌آمیز بود؛ اما به دلیل اینکه دو کشور در حوزه‌های مختلف (به‌خصوص نیاز ترکیه به نفت و گاز)، به یکدیگر نیاز داشتند، این روابط هیچ‌گاه قطع نشد. با این وجود ظهور حزب عدالت و توسعه در قدرت و اصلاح سیاست خارجی ترکیه با کشورهای خاورمیانه بر روابط دیپلماتیک ایران و ترکیه تأثیر بسزایی داشت. بهبود روابط میان ایران و ترکیه بعد از سال ۲۰۰۲ منجر به ملاقات دیپلماتیک گسترده و در سطوح بالا میان دو کشور شد (Habibi, 2012: 4).

تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای اقتصادی بین ایران و ترکیه از اوت ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۵ در راستای نظام دیپلماتیک پویا میان ایران و ترکیه است. به‌طور کلی بسیاری از ملاقات و نشست‌های دیپلماتیک میان ایران و ترکیه با موضوعات اقتصادی روبرو بوده و در توافقات‌های اقتصادی مختلفی خلاصه شده است؛ که در جدول زیر به برخی از آنان اشاره شده است. بر اساس این جدول محدوده مسائل اقتصادی که در این توافقات تحت پوشش قرار گرفته است، فراتر از سرمایه‌گذاری‌ها و تجارت‌های دوجانبه است.

یکی دیگر از مصادیق نظام دیپلماتیک پویا میان ایران و ترکیه را می‌توان در ردوبدل کردن فیلم‌های مختلف، معرفی امکان توریستی، ترجمه برخی کتاب‌ها، برگزاری کنفرانس‌های مختلف علمی، فرهنگی و... اشاره کرد. در این راستا می‌توان به پخش سریال یوسف پیامبر، اصحاب کهف در ترکیه و در مقابل پخش کلید اسرار از شبکه‌های تلویزیونی ایران اشاره کرد. اما مهم‌ترین مذاکرات و نشست‌ها میان رهبران ایران و ترکیه که بر نظام دیپلماتیک میان دو کشور توجه دارد در خصوص پرونده هسته‌ای ایران است. در خصوص پرونده مذکور، ترکیه

تلاش کرد که آمریکا برای حل موضوعات هسته‌ای وارد گفتگو و مذاکره شود. از نظر ترک‌ها، دیپلماسی بهتر از تحریم است و تأکید می‌کردند که ایران به‌عنوان یکی از اعضای NPT این حق را دارد که اورانیوم غنی‌شده خود را برای اهداف مسالمت‌آمیز توسعه دهد. به همین علت هم اردوغان و هم عبدالله گل معتقد بودند که تحریم‌های اقتصادی مؤثر نیست و تنها راه‌حل مسئله ایران اقدام دیپلماتیک است. اردوغان حتی بیان کرد که مشکل اصلی در خاورمیانه سلاح هسته‌ای اسرائیل است و نه ایران. بر همین اساس ترکیه همیشه به دنبال تقویت دیپلماسی و میانجی‌گری میان ایران و آمریکا بوده است و زمانی که مذاکرات در سال ۲۰۱۰ در خصوص غنی‌سازی اورانیوم-۲۳۵ میان ایران و آمریکا به بن‌بست رسید، ترکیه به همراه برزیل تلاش کرد که مذاکرات دوباره از سر گرفته شود. در نتیجه تلاش‌های زیادی در این راستا کردند و به این نظر مشترک رسیدند که ایران ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم کمتر غنی شده را به ترکیه بفرستد و این میزان با ۱۲۰ کیلوگرم سوخت برای احداث رآکتور مبادله شود. ترکیه اصرار داشت که نیازی به تحریم بیشتر علیه ایران نیست و این در صورتی بود که آمریکا با تبادل اورانیوم مخالفت کرد. به‌هرحال وقتی تلاش‌های ترکیه به نتیجه نرسید، آمریکا بر صدور قطعنامه علیه ایران و تحریم‌های اقتصادی بیشتر علیه ایران اصرار کرد. بعد از صدور قطعنامه، ترکیه انتخاب زیادی نداشت و تنها با قطعنامه ۹ ژوئن ۲۰۱۰ شورای امنیت مخالفت کرد (Ozdamar, 2015: 3).

۴-۱-۶. اشتراکات فرهنگی

با وجود افتراق‌های ایران و ترکیه در باب فرهنگ، الگوی فرهنگی، زبان، نژاد، مذهب و... از اشتراکات زیادی نیز برخوردار هستند. یکی از مهم‌ترین اشتراکات میان دو کشور را می‌توان دین اسلام نام برد. دین و جهان اسلام برای دو کشور ایران و ترکیه که هر دو مردمان آن مسلمان هستند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حکومت ترکیه با وجود دولت لائیک و غیرمذهبی، به دلایل بسیاری همیشه سعی داشته و دارد که نقش تراز اولی را در حوزه جغرافیای سیاسی جهان اسلام ایفا کند. به‌خصوص بعد از آمدن حزب عدالت و توسعه که نقش اسلام به‌منظور پیشبرد سیاست منطقه‌ای ترکیه از اهمیت زیادی برخوردار شد. آن‌ها مانند ایران بر اتحاد مسلمانان اصرار دارند و معتقدند که اسلام نه تنها یک مذهب بلکه تمدنی است که ذاتاً نسبت به شرکای غربی برتری دارد. این دیدگاه وی در خصوص اسلام با دیدگاه ایران

و تعبیری که از تمدن اسلامی به عنوان هسته مکتب سیاسی جمهوری اسلامی دارد، مشابهت دارد. با این حال گفتمان ایرانی تمدن اسلامی، بر اساس مکتب شیعه و گفتمان ترک‌ها بر اساس اخوانی‌گری هویت می‌یابد.

اما در یک نگاه کلی می‌توان برخی از مشترکات نگاه و منافع ایران و ترکیه در موضوع جهان اسلام را در موارد زیر جستجو کرد:

- ایران و ترکیه در راستای کاریکاتور اهانت‌آمیز به پیامبر اسلام (ص) موضع مشترک و منطقی گرفتند؛
- ترکیه در دروان حکومت حزب عدالت و توسعه نسبت به شیعیان و علویه سیاست منطقی-تری را در پیش گرفت و فضای بیشتری را به آن‌ها برای انجام فعالیت‌های مذهبی داد؛
- کنگره‌های مشترک اسلامی میان دو کشور برگزار شد که در دوره حزب عدالت توسعه به‌حداعلائی خود رسید. اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه رویکرد نگاه به شرق دارند؛ رویکردی که انقلاب اسلامی ایران از ابتدا داشته است؛
- هر دو کشور سعی دارند سطح روابط خود را در گروه دی هشت و اکو افزایش دهند؛
- سال (۲۰۰۷) رجب طیب اردوغان برای اولین بار در مراسم عاشورا شرکت کرد؛
- واکنش ایران به بحران روابط ترکیه و ایتالیا بر سر تسلیم عبدالله اوجالان رهبر «پ.ک.ک» به ترکیه و تلاش در حل و فصل مسالمت‌آمیز این موضوع (افضلی، متقی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۶)؛
- حمایت ترکیه از فلسطین و موضع سرسختانه‌تر نسبت به گذشته در مقابل اسرائیل.

یکی دیگر از اشتراکات فرهنگی دو کشور، تاریخ مشترک دو کشور و فصول مشترکی از روابط میان آن‌هاست. آن‌ها نه تنها دو کشور با دین مشترک هستند بلکه گذشته‌ای مشابه دارند. پیوندهای جغرافیایی، امپراتوری بزرگ اسلامی، تحت فشار کشورهای خارجی مانند بریتانیا و امپراتوری روسیه قرار گرفتن در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ظهور یک دولت مدرن در مرزهای دو کشور بعد از جنگ جهانی اول از اشتراکات تاریخی دو کشور است. فهم مشترک در طول تاریخ باعث شده است که دو کشور به یکدیگر نزدیک شوند مانند زمانی که در پیمان بغداد و سپس سنتو در سال ۱۹۵۹ و آر.سی.دی در سال ۱۹۶۴ تحت عنوان دو متحد نزدیک شدند (Narli, 2018: 269).

آداب و رسوم مشترک میان دو کشور چه در حوزه ذائقه و غذاهای مشترک، برگزاری مراسم مختلف، عروسی، عزاداری و... تا حدودی مشهود است. تلاش مردم ترکیه به خصوص کردهای منطقه با آیین ایرانی به خصوص جشن نوروز نشان از رسوخ فرهنگی ایران در این کشور دارد.

۴-۱-۷. اتحادیه‌های منطقه‌ای

ایران و ترکیه به عنوان دو کشور مهم خاورمیانه در چندین اتحادیه منطقه‌ای به صورت مشترک عضو هستند. هرچند این اتحادیه‌های منطقه‌ای به مفهوم آنچه در اتحادیه اروپا دیده می‌شود نتوانسته‌اند کارکرد ویژه‌ای در همکاری میان آن‌ها داشته باشد اما بی‌تأثیر نیز نبوده است. این سازمان‌ها شامل سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، گروه دی-۸ است. در گذشته نیز دو کشور در پیمان دفاعی مشترک بغداد و ستو حضور داشتند که با انقلاب اسلامی، ایران از این پیمان‌ها خارج شد.

یکی از اتحادیه‌های مهمی که به همکاری‌های کوتاه‌مدت و موقت میان ایران و ترکیه انجامیده است، سازمان منطقه‌ای اگو است. بر اساس راهبرد اگو، گسترش تجارت در درون منطقه یکی از سه اولویت اصلی فعالیت کشورهای عضو اگو نامیده شده است. بر همین اساس نیز از ابزارهایی در این راستا استفاده شده است که می‌توان به کاهش تعرفه‌های گمرکی و تخفیف برای کاهش تعرفه برخی از کالاهای وارداتی اشاره کرد. از دیگر مصادیق همکاری میان اعضای اگو می‌تواند تلاش و همکاری ایران، پاکستان و ترکیه را در زمینه حمل و نقل و احداث راه‌آهن اگو مثال زد. با وجود این همکاری‌ها موانعی در این زمینه وجود دارد که نتوانسته به اهداف اصلی سازمان جامه عمل بپوشاند. یکی از این موانع عدم مشابهت در ساختار اقتصادی ایران و ترکیه و وجود قوانین سفت و سخت بخصوص در اقتصاد ایران است که سرمایه‌گذاری ترکیه را در این کشور با مشکل روبرو کرده است. موانع سیاسی، قومی، حضور آمریکا به عنوان مداخله‌گر از دیگر دلایل ناکافی بودن عملکرد اگو در راستای همکاری است (بیژن و واسوکلایی، ۱۳۹۵: ۵۲-۷۱).

در خصوص نقش ایران و ترکیه در سازمان کنفرانس اسلامی می‌توان به همکاری آنان بخصوص پس از آمدن حزب عدالت و توسعه اشاره کرد. هرچند بعد از آمدن حزب عدالت و توسعه و مواضع مشترک با ایران در خصوص فلسطین و مخالفت با اقدامات اسرائیل، اما

سازمان نتوانسته اجماع نظر میان بازیگران فعال در منطقه بر سر حل بحران‌های مختلف به‌خصوص سوریه فراهم کند (جانسیز و احمدی خویی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

۴-۱-۸. نظام سیاسی مشابه

هرچند ایران و ترکیه در شکل نظام سیاسی با یکدیگر متفاوت هستند اما تغییر در برخی فاکتورهای موجود در نظام سیاسی بر همکاری آن‌ها اثر دارد. یکی از آن‌ها، تغییر در نخبگان و حزب حاکم بر حکومت است. به‌خصوص این مسئله در مورد ترکیه بیشتر صدق می‌کند. در خلال مباحث اشاره شد که تا قبل از حضور اربکان و به‌خصوص به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، کمالیست‌ها نگاه بسیار منفی نسبت به نقش ایران در تشدید اسلام‌گرایی در منطقه داشتند؛ اما بعد از آمدن حزب عدالت و توسعه این اتهام که ایران یک تهدید ایدئولوژیک برای ترکیه است از بین رفت (Demirvol, 2013: 115). این تغییر در رهبری ترکیه به شدت به کاهش تنش‌های سکولار-اسلام‌گرایی که به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تنش آن‌ها بود منجر شد. نقطه عطف در رابطه دو کشور زمانی رخ داد که در سال ۲۰۱۲، رئیس‌جمهور احمد نجات سزر به همراه یک هیئت بزرگ از صنعتگران و تجار ترکی از تهران دیدار کرد. در نتیجه این دیدار دو کشور تصمیم گرفتند که اختلاف‌های ایدئولوژیک را به حاشیه برده و بر سر موضوعات امنیتی همکاری کنند و روابط متقابل فرهنگی و اقتصادی را توسعه دهند. به‌هرحال آنچه در نتیجه حضور اسلام‌گرایان در ترکیه به وجود آمد درک و فهم مشترک دو کشور از یکدیگر برای همکاری بود (Kirchner, 2017: 163).

یکی دیگر از تغییرات مهم در نظام سیاسی که البته در نتیجه تغییر در نخبگان ترکیه ایجاد شد، تغییر در سیاست خارجی بود. با آمدن حزب عدالت و توسعه و تلاش داوود اغلو برای اصلاح سیاست خارجی ترکیه، فصول جدیدی آغاز شد. بر این اساس داوود اغلو شش اصل مهم در سیاست خارجی خود مطرح کرد که شامل توازن میان امنیت و آزادی، تنش صفر با همسایگان، سیاست خارجی چند بعدی، سیاست خارجی منطقه‌ای پیش فعال، دیپلماسی جدید و دیپلماسی فعال می‌شد (Keyman & Sazak, 2015: 325). همین مسئله و قرار دادن دیپلماسی اقتصادی در تعامل ترکیه با کشورهای منطقه، بر همکاری میان ایران و ترکیه اثر گذاشت که

می‌توان به بالا رفتن تراز تجاری دو کشور در این دوران اشاره کرد. حمایت ترکیه از ایران در خصوص پرونده هسته‌ای نیز در راستای دیپلماسی مبتنی بر تعامل ترکیه قابل توجه است.

۲-۴. یافته‌های میدانی متغیرهای مؤثر بر همکاری میان ایران و ترکیه

در این تحقیق و بعد از ذکر مصادیق در بخش یافته‌های کتابخانه‌ای برای نشان دادن تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای ذکرشده در مدل نظری و به‌منظور تأکید بیشتر بر درستی یا نادرستی متغیرهای همکاری میان ایران و ترکیه، تنها به این مصادیق اکتفا نشد. بلکه از صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه مطالعاتی نیز جهت تأیید یا عدم تأیید تأثیرگذاری شاخص‌های مذکور در همکاری میان ایران و ترکیه و وزن دهی به هر یک از متغیرها در قالب پرسشنامه‌ای نظرخواهی شد. در این پرسشنامه بر اساس هر متغیر گویه‌هایی شکل گرفت که به‌صورت جدول زیر بود.

جدول ۳: متغیرهای همکاری و گویه‌ها

گویه‌ها	متغیرهای همکاری
۳	اصل مکملیت و
۳	تشابه نظام اقتصادی
۴	تجارت وابستگی متقابل
۳	نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات
۳	ترجیحات امنیتی موازی
۴	نظام دیپلماتیک پویا
۲	اشتراکات فرهنگی
۲	اتحادیه‌های منطقه‌ای
۲	وضعیت نظام سیاسی
۲	ساختار منطقه و نظام بین‌الملل
۲	تشابه کدهای ژئوپلیتیک

به‌منظور وزن دهی متغیرها از آزمون فریدمن استفاده شد که البته قبل از آن به‌منظور نرمال بودن داده‌های شبه فاصله‌ای هر متغیر که با کامپیوت کردن (جمع کردن داده‌ها) گویه‌های هر

بخش به دست آمد، از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده کرده و در جداول زیر نتایج را نشان دادیم.

۴-۲-۱. آزمون آلفای کرونباخ متغیرهای همکاری

روایی یا اعتبار پرسشنامه از لحاظ محتوایی و صوری بر اساس نظر استادان متخصص موردبررسی قرار گرفت؛ بدین صورت که با توجه به متغیرهای مورد مطالعه، طرح اولیه پرسشنامه تهیه شد و با تکیه بر نظر متخصصان اصلاح شد. با انجام اصلاحات لازم در این مرحله و تثبیت چهارچوب اولیه آن، برای اطمینان بیشتر از روایی پرسشنامه، از نظر اساتید و متخصصان آشنا به فنون آماری نیز استفاده شد. برای محاسبه ضریب پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS بهره گرفته شد. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری ازجمله پرسشنامه ها یا آزمون هایی که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کنند، بکار می رود. در این گونه ابزار، پاسخ هر سؤال می تواند مقادیر عددی مختلفی اختیار کند. برای محاسبه آلفای کرونباخ، ابتدا می بایست واریانس نمرات هر زیرمجموعه سؤالات پرسش نامه و واریانس کل را محاسبه کرد. آلفای کرونباخ برای زیر کلاس های همکاری بیان شده در این تحقیق در جدول زیر مشخص شده است. از آنجا که آلفای کرونباخ تمام سؤالات بسیار بالا است، می توان نتیجه گرفت که این پرسش نامه بسیار پایا بوده و استفاده از آن در تحقیقات مختلف با شرایط مشابه نتیجه یکسانی را به ما خواهد داد.

جدول ۴: شاخص آلفای کرونباخ پرسشنامه همکاری

آلفای کرونباخ	بُعد
۰.۷۳	اصل مکملیت
۰.۸۸	تشابه نظام اقتصادی
۰.۹۵	تجارت و وابستگی متقابل
۰.۷۹	نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات
۰.۹۸	ترجیحات امنیتی موازی
۰.۷۶	اشتراکات فرهنگی
۰.۷۴	اتحادیه های منطقه ای

بُعد	آلفای کرونباخ
وضعیت نظام سیاسی	۰.۷۹
ساختار قدرت و روابط در منطقه	۰.۹۸
همگرایی در ساختار روابط در منطقه	۰.۹۰
تشابه کدهای ژئوپلیتیک	۰.۹۵

۴-۲. آزمون کلموگروف- اسمیرنف و تی تست متغیرهای همکاری

جدول ۵: نتایج آزمون کلموگروف- اسمیرنف همکاری

متغیر	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
اصل مکملیت	۰/۳۶۵	۰/۵۲۹	نرمال
تشابه نظام اقتصادی	۰/۱۴۹	۰/۲۷۸	نرمال
تجارت و وابستگی متقابل	۰/۲۵۷	۰/۵۳۸	نرمال
نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات	۰/۱۱۲	۰/۴۷۳	نرمال
ترجیحات امنیتی موازی	۰/۵۲۴	۰/۵۲۱	نرمال
نظام دیپلماتیک پویا	۰/۴۳۵	۰/۵۳۹	نرمال
اشتراکات فرهنگی	۰/۳۹۸	۰/۲۱۵	نرمال
اتحادیه‌های منطقه‌ای	۰/۵۴۹	۰/۱۸۸	نرمال
وضعیت نظام سیاسی	۰/۲۴۸	۰/۳۶۴	نرمال
ساختار منطقه و نظام بین‌الملل	۰/۰۸۷	۰/۴۶۹	نرمال
تشابه کدهای ژئوپلیتیک	۰/۰۷۴	۰/۲۱۱	نرمال

معنی داری به این معناست که متغیر موردنظر از آنجایی که سطح معنی داری همه زیر بخش‌ها بالاتر از ۰/۰۵ بوده است فرض نرمال بودن پذیرفته می‌شود؛ به این معنا که متغیرهای استخراج شده طی آزمونی که از متخصصین گرفته شده است از معناداری برخوردار است. این

آزمون به این دلیل گرفته شده است که برای انجام آزمون تی باید ابتدا نرمال بودن توزیع متغیرها مورد بررسی قرار می‌گرفت. سپس آزمون تی در مورد گویه‌های پژوهش گرفته شد که برخی از آن‌ها چون سطح معناداری بالاتر از ۰.۰۵ داشتند از سوی جامعه آماری رد شده و مورد تأیید قرار نگرفتند. بقیه متغیرهای با دارا بودن سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ مورد تأیید جامعه آماری قرار گرفتند.

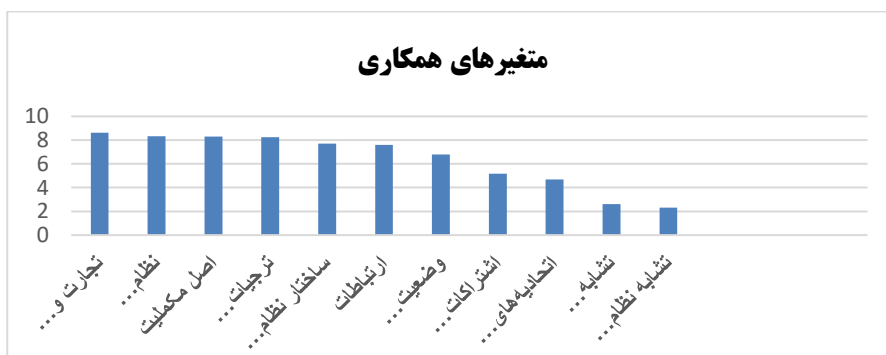
۴-۲-۳. آزمون فریدمن

به منظور وزن و رتبه‌دهی هر یک از متغیرهای همکاری از آزمون فریدمن استفاده می‌شود. آزمون فریدمن از جمله آزمون‌های ناپارامتری در آمار است که تأثیر برابر چندین متغیر ترتیبی را می‌سنجد؛ که آیا تمامی متغیرها تأثیر برابر دارند یا نه؟ در جداول مربوط به رتبه هر متغیری که رتبه بیشتری داشته باشد بیشترین تأثیر را در بین گزینه‌ها دارد و جدول آزمون آماری اثر برابری این متغیرهای ترتیبی را می‌سنجد. همان‌طور که از جدول زیر برای متغیر همکاری مشاهده می‌شود مقدار سطح معنی داری ۰.۰۰ در نظر گرفته شد که مقدار آن از ۰.۰۵ کمتر است و تفاوت معناداری بین متغیرها وجود دارد با توجه به جدول رتبه نشان داده شد که در متغیر همکاری عوامل تجارت و وابستگی متقابل بیشترین تأثیر بر روابط ایران و ترکیه تأثیرگذار بوده است.

جدول ۶: رتبه‌بندی متغیرهای همکاری میان ایران و ترکیه

امتیاز	متغیرهای همکاری
۸.۶۳	تجارت و وابستگی متقابل
۸.۳۴	نظام دیپلماتیک پویا
۸.۳۰	اصل مکملیت
۸.۲۵	ترجیحات امنیتی موازی
۷.۷۰	ساختار نظام بین‌الملل و منطقه
۷.۶۱	نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات
۶.۷۸	وضعیت نظام سیاسی
۵.۱۶	اشتراکات فرهنگی

امتیاز	متغیرهای همکاری
۴.۶۹	اتحادیه‌های منطقه‌ای
۲.۶۰	تشابه کدهای ژئوپلیتیک
۲.۳۱	تشابه نظام اقتصادی



نمودار ۱: رتبه‌بندی متغیرهای همکاری میان ایران و ترکیه

فرجام سخن

هدف از این پژوهش، طراحی الگوی همکاری حاکم بر رابطه میان ایران و ترکیه بود. به همین دلیل نگارنده با تأکید بر مدل الگوی رفتاری مبتنی بر همکاری، به بررسی این مفهوم در نظریات روابط بین‌الملل هرچند مختصر اشاره کرد. بر همین اساس نظریه‌ها و تئوری‌های مختلفی که از سوی اندیشمندان رشته روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی در رابطه با عوامل ایجادکننده تنش در روابط کشورها ارائه شده بودند، موردبررسی و تحلیل قرار گرفت. از درون هر یک از این نظریات، شاخص‌های مؤثر استخراج شد و در نهایت متغیرهای تعارض و همکاری بر آن اساس شکل گرفتند. در بسیاری از این نظریات، نگاه تک‌علتی به تنش و همکاری بین کشورها یا در نهایت چند علت محدود، نگارنده را به کثرت عوامل مختلف هدایت کرد. هرچند در این راستا نظریه پیتر هاگت به عوامل مختلف اشاره کرده بود اما به علت عدم توجه به برخی از عوامل امنیتی و عوامل ژئواکونومیک، نگارنده را به سمت تعمیق و جمع‌بندی متغیرهای مختلف پیش برد. سپس نگارنده به طراحی متغیرهای همکاری در ۱۱ گروه

به صورت یک الگو پرداخت. به منظور تأیید تأثیرگذاری هر یک از این متغیرها بر بروز تنش بین کشورها، ابتدا در بخش یافته‌های کتابخانه‌ای، به بررسی آن‌ها در رابطه ایران و ترکیه پرداخته شد و سپس در بخش مطالعات میدانی این متغیرها در قالب یک پرسشنامه طراحی و بین اساتید و متخصصان رشته‌های مربوطه توزیع شد. تحلیل یافته‌ها در متغیرهای همکاری به صورت زیر بوده است:

جدول ۷: متغیرهای همکاری در روابط ایران و ترکیه

امتیاز	متغیرهای همکاری
۸.۶۳	تجارت و وابستگی متقابل
۸.۳۴	نظام دیپلماتیک پویا
۸.۳۰	اصل مکملیت
۸.۲۵	ترجیحات امنیتی موازی
۷.۷۰	ساختار نظام بین‌الملل و منطقه
۷.۶۱	نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات
۶.۷۸	وضعیت نظام سیاسی
۵.۱۶	اشتراکات فرهنگی
۴.۶۹	اتحادیه‌های منطقه‌ای
۲.۶۰	تشابه کدهای ژئوپلیتیک
۲.۳۱	تشابه نظام اقتصادی

بر این اساس الگوی همکاری میان دو کشور بر اساس امتیازاتی که هر یک از متغیرها دارند شکل می‌گیرد و بر این اساس تجارت و وابستگی متقابل میان دو کشور بیشترین امتیاز را کسب می‌کند. بر همین اساس ایران و ترکیه به منظور ارتقای روابط می‌توانند بر این محور با یکدیگر همکاری داشته باشند و تجارت بیشتر شاهد افزایش وابستگی متقابل باشند. تعدد دیدارها، افزایش روابط دیپلماتیک، تلاش برای حل مشکلات یکدیگر با روش‌های دیپلماتیک مانند پرونده هسته‌ای ایران، تجارت در حوزه انرژی توسط ترکیه و استفاده از نقش ترانزیتی ترکیه از سوی دیگر، تلاش برای حل و فصل موضوعات کردی بخصوص برای ترکیه و ...

همگی می‌توانند چارچوبی برای سیاست خارجی باشد که همگرایی بیشتر دو کشور را به همراه داشته باشد.

References

- ازغندی سید علیرضا. (۱۳۸۷). بررسی روابط خارجی ج.ا.ا و جمهوری ترکیه، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. ۱۰: ۲۳-۵۴.
- افضلی، رسول و متقی، افشین. (۱۳۹۰). بررسی و تبیین ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی اعتدال در سیاست خارجی ترکیه از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ با رویکرد سازه‌نگاری. فصلنامه روابط خارجی، ۳(۴)، ۱۰۶-۷۹.
- امامی خویی، محمدتقی و خلخال، سید محی‌الدین. (۱۳۹۰). بررسی تثبیت مرزهای ایران و ترکیه در دوره پهلوی اول. فصلنامه مسکویه. ۶(۱۸)، ۴۰-۲۳.
- بصیری، محمدعلی و آقامحمدی، زهرا و فلاحی، احسان (۱۳۹۵). بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در خاورمیانه: مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه، مجله مطالعات سیاسی جهان اسلام. ۵(۱۹)، ۷۱-۵۱.
- بیژن، عارف و رحمانی واسوکلایی، محسن. (۱۳۹۵). نقش اکو در توسعه روابط اقتصادی کشورهای عضو، فصلنامه سیاست. ۳(۹)، ۷۱-۵۳.
- تقدیسی، احمد و کاظمی، حسینعلی. (۱۳۸۳). نقش گردشگری در اشتغال‌زایی، اطلاعات جغرافیایی سپهر ۱۹(۷۴)، ۲۰-۲۳.
- جانسیز، احمد و صاحبان، تاج‌الدین. (۱۳۹۴). نگاه نو به رقابت ایران و ترکیه در کسب قدرت منطقه‌ای، پژوهش‌های روابط بین‌الملل. ۱(۱۹)، ۱۴۳-۱۷۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
- عسکرخانی، ابو محمد و منصوری مقدم و جهانشیر (۱۳۸۹). همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل: نگاهی به نظریه سازه‌انگاران الکساندر ونت، مجله سیاست. ۱۵، ۲۰۸-۱۸۹.
- غائبی، محمدرضا (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه، فصلنامه سیاست خارجی. ۳۰(۲)، ۸۵-۱۱۳.
- گل محمدی، ولی (۱۳۹۵). پویایی‌های امنیتی روابط روسیه و ترکیه، فصلنامه روابط خارجی. ۷(۴)، ۸۵-۱۱۷.
- مستقیم قمی، بهرام و قوام ملکی، حمیدرضا. (۱۳۸۷). امکان سنجی شکل‌گیری سامانه منطقه‌ای در اکو، مطالعات اوراسیای مرکزی. ۱(۲)، ۱۲۳-۱۴۲.

- Tjosvold, D. (1984). Cooperation Theory and Organizations. *Human Relation*, 37(9),743-767.
- Axelrod, R and keohane, R. (1985). Achieving cooperation under anarchy: strategies and institution. *world politics*, 38(1), 226-254
- Paulo, S. (2014). International cooperation and development: conceptual overview, *discussion paper 13*, German development institute.
- Berger, P. L. (1999). The desecularization of the world: resurgent religion and world politics. Washington, DC: Ethics and Public Center.
- Moravcsik, A. (1997). Taking Preferences Seriously: A Liberal Theory International Politics. *International Organization*,51(4), 513-53.
- Awad, E. (2013). *Economic Interdependence, Trade, and War: A Theoretical and Empirical Analysis*. Master Thesis, Erasmus University Rotterdam.
- Friedberg, A. L. (2005). The Future of U.S.-China Relations: Is Conflict Inevitable? *International Security*, 30(2), 7-45.
- Jervis, R. (1999). Realism, Neoliberalism, and Cooperation: Understanding the Debate, *International Security*, 24(1), 42-63.
- Grieco, J. M. (1993). *Understanding the problem of international cooperation: The limits of neoliberal institutionalism and the future of realist theory*. New York: Columbia University Press.
- Mearsheimer, J. J. (2006). Structural Realism, In *International Relations Theories: Discipline and Diversity*. edited by Time Dunne, Milja Kurki and Steve Smith, 71-88. New York: Oxford University Press
- Vyrastekova, J. And Funaki,Y. (2010). *Cooperation in a sequential N-person prisoner's dilemma: The role of information and reciprocity*. Yukihiro Funaki: Waseda University.
- Maoz, Z. and Kuperman, R. (2006) Structural Equivalence and International Conflict, *Journal of Conflict Resolution*, 50(5),1-26.
- Wendt, A. (1994). *Social Theory Of International Politics*. London: Cambridge University Press.
- Morrow, R. A. et al. (2000). The state, globalization, and educational policy. In N. C. Burbules, & C. A. Torres (Eds.), *Globalization and education: Critical perspectives*. London: Routledge
- Walt, S. (1985) Alliance Formation and the Balance of World Power. *International Security*. 9(4), 3-43.
- Ninkovich, F. (1996). *U.S. Information Policy and Cultural Diplomacy*. Chicago: Foreign Policy Association.

- Malone, G. D. (1988). *Political advocacy and Cultural communication: organizing the Nation s public Diplomacy*. Lanham, MD: University Press of America.
- shokri kalehsar, O. (2015). Energy factor in Iran –turkey relation, *sage*, 26(5), 1-10.
- Bilgin, P. (2007). Only Strong States Can Survive in Turkey's Geography: The uses of “geopolitical truths” in Turkey. *Political Geography*, 26(7), 740-756.
- Jenkins, G. H. (2012). occasional allies, enduring rivals: *Turkey's relations with Iran*”, *central Asia –Caucasus*. amakura: Institute of Silk Road Studies
- Bhagat, S. (2014). Financial crisis and bank executive incentive compensation, *Journal of Corporate Finance*, 25(3), 313-341
- Ehteshami, A., & Elik, S. (2011). Turkey’s growing relations with Iran and the Arab Middle East. *Turkish Studies*, 12(4), 643–662.
- Unal, S. & Ersoy, E. (2014). The political economy of Turkish-Iranian relation: Three asymmetries. *Ortadoğu Etütleri*, 5(2), 41-164.
- Ebrahimi, et al (2017). economic, political, and strategic issues in Iran-turkey relation, 2002-2015. *contemporary review of the Middle East*, 4(1), 67-83.
- Grigoriadis, L. (2008.) On the Europeanization of Minority Rights Protection: Comparing the Cases of Greece and Turkey. *Mediterranean Politics*, 13(1), 23-41.
- Winrow. G. (2014). Realization of Turkey's energy aspirations. pipe dreams of real projects? *Turkey Project Policy Paper*, 4, 1-20.
- Unver, A. (2016). Turkish-Iranian Energy Cooperation and Conflict: The Regional Politics. *Middle East Policy*, 23(2), 132-145.
- Cook, A. (2009). *The United States and Iran: policy challenges and opportunity*. New York: Palgrave Macmillan.
- Davutoglu, A. (2008). Turkey’s foreign policy Vision: An assessment of 2007. *Insight Turkey*. 10(1), 77-96.
- Larrabee, F. S., & Nader, A. (2013). *Turkish–Iranian relations in a changing Middle East*. National Defense Research Institute, Santa Monica: RAND Corporation.
- Habibi, N. (2012). Turkey and Iran: growing economic relation despite Western sanction. *Crown Center for Middle Studies*, 62, 1-9.
- McCurdy, D. (2008). Turkish-Iranian Relations: When Opposites Attract. *Turkish Policy Quarterly*, 7(2), 87-106.
- Sinkaya, B. (2004). rationalization of Turkey-Iran relations: prospects and limit. *Insight Turkey*, 14(2), 137-156.

- Demiryol, T. (2002). Between Rivals: Turkish- Iranian Relation SINCE 2002. *Ortadogu Etuleri*, 4(2), 111-144.
- Ergun, D. & et al (2018). The Role of the Middle East in the EU-Turkey Security Relationship: Key Drivers and Future Scenarios. *Feuture papers*, 20, 15-30.
- Yarmohammadian, H. & Omid, A. & Ebrahimi, S. (2017). Turkish - Iranian Relations: Prospects and Uncertainty. *The Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World*.16(1), 18-33.
- Lindenstrauss, G. (2018). Turkey and Iran: Two Regional Powers and the Relations Pendulum. *Memorandum*, 173, 53-61.
- Akbarzadeh, S. and Barry, J (2016). Iran and Turkey: not quite enemies but less than friends. *Third World Quarterly*, 38(4), 980-995
- Habibi, R and Mahdizadeh, A. (2014). Iran and Turkey: from regional competition trading partnership, international. *letters of Social and humanistic Science*, 24:26-31.
- Aslan, D. (2015). Turkish-Iranian Relations. The Past, Present and Future. *Zeszyty-naukowe*, 41(3), 58-69.
- Ozdamar, O. (2015). *Turkish-Iranian relations after the framework agreement*. Norway: Nupi.
- Keyman, E. F. and Sazak, O. (2015). Turkey and Iran: The Two Modes Engagement in The Middle East, *Journal Of Balkan and Near Eastern Studies*, 17(3), 336-321
- Kirchner, M. & Bas, S. (2017). *conceptualizing Iranian-Turkish relations after the Arab Spring*. Turkey: Meltem Ersoy Esra Ozyurek.
- Narli, N. (2018). Cooperation or competition in the islamic world: Turkish-Iranian relations from the Islamic Revolution to the Gulf war and beyond, CEMOTI, Cahiers d'Études sur la Méditerranée Orientale et le monde Turco-Iranien.